

تاریخ نظامی

جنگ ایران - هند

« از جنگهای نادر شاه »

در سال ۱۱۵۱ هجری

تألیف

جمیل : قوزا بلو

طبع ثانی

طهران

۱۳۰۹

— مقدمه —

این یک قدر و قیمت و حق شناسائی است که هر مؤلف بالخاصه مؤلفین نظامی دائماً بیطرفی را بر هر چیز مقدم بدارد، یعنی آنچه را که مینویسد مبتنی آن مطابق عمل بوده، تاریخ و وقایع جنگی طرفین را بدون التزام طرفیت عیناً در کتاب خود ذکر و بیان نماید. ولی مع التأسف [ایران که سابقاً صحنه مهم جنگهای ملل مختلفه بوده است] راجع به عملیات جنگی محاربین گذشته تاریخ نظامی مخصوصی درست نمیداشد که، اردوی آنها وقایع جنگی منظمی بوجود آورد. لیکن تواریخ عمومی مختلفه نیز موجود است که میتوان از نتیجه تدقیق و مطالعه آنها، تاریخ عملیات جنگی ملل محارب را موافق قانون و اصول نظامی و تجربه نوشت. اینک بنده در نتیجه مطالعات کتب مختلفه ذیل و با مراجعه به نقشه جات محل و وقوعات جنگی [تاریخ هندوستان - روضة الصفا تاریخ افغانستان - تاریخ دکن - تاریخ فضلی میک - کتاب ژنرال کشمش اوف - وقعات بامبری - مسیر جهانگیری - پادشاه نامه - تاریخ عالم گیری و غیره...] این کتاب نظامی را تألیف نموده و تقدیم برداران عزیز هم مسلک خود مینمایم. و از بیان این نکته نیز ناگزیرم که؛ چون ارمغان بنده اولین تاریخ نظامی است که با اسلوب و اصطلاحات جنگی و نظامی از عملیات جنگی پهلوانان تاریخی ایران نگاشته میشود، ممکن است نواقص زیادی داشته باشد. لهذا از قارئین محترم استدعای آن را دارم که نواقص این کتاب را با سرور زمان اتمام و اكمال ورمایند.

جمیل - قوزانلو

معلم سابق مدارس کل نظام

فهرست

۱۳۰۰

صفحه

- ۰ مقدمه مؤلف -
- ۲ فصل اول - کلیات :
- علت جنگ - استعداد جنگی طرفین - نقشه جنگی طرفین .
- ۷ فصل دوم - محاربات سرحدات :
- عملیات نعرسی در افغانستان - اولین تلاقی قوای طرفین - محاصره قلعه کابل - شروع تهاجمات پیاده نظام - سقوط قلعه کابل
- ۱۷ فصل سوم عملیات در معبر خیبر :
- طرح جدید، عملیات قشون ایران - تعرض به تنگه خیبر .
- ۲۴ فصل چهارم - عملیات در خاک هندوستان :
- شرح وقایع بطور اختصار - محاربه پیشاور - مطالعه - پیشروی بطرف لاهور - موقعیت قوای هند - عبور از رود حانه سند - موقعیت قوای لاهور - عبور از رود خانه جلام و محاربه لاهور - ختم محاربه لاهور و نتیجه آن .
- ۴۱ فصل پنجم - محاربه کرنال .
- موقعیت و خاتمه عقب نشینی هندیها - موقعیت قشون ایران در لاهور - شروع حرکات تعرضی بطرف صحرای کرنال و عمل سوار نظام و آحرین تهاجمات پیاده نظام - شروع شدن نبرد - ختم محاربه - متارکه جنگ - ملاقات دو پادشاه در میدان نبرد - اشغال پایتخت هندوستان از طرف قوای فتح ایران
- ۶۴ فصل ششم - حانم جنگ
- انعقاد صلح و معاهده شلیار - صورت معاهده ایران و هند - تحلیله هندوستان و ختم جنگ - نتیجه جنگ - تنقیدات جمع بحنگ ایران و هند
- ۶۷ نقشه حات و کرویها .

تاریخ نظامی

جنگ ایران - هند

جنگ ایران - هند

در سال ۱۱۵۱ هجری

فصل اول

کلیات

علت جنگ نادرشاه افشار پس از اینکه از تنظیم امور سرحدات شمال و مغرب ایران تا اندازه فراغت حاصل نمود، توجه خود را بایالت شرقی مملکت یعنی بلوچستان، مرو و افغانستان معطوف داشته، برای رفع اغتشاش آن نواحی که اکثراً ناشی از خرابی اوضاع حکومت آنوقت هندوستان بود، بادیولت مرکزی هندووارد مذاکره شده و ضمناً در صدد برآمد که از گذارشات داخلی هندوستان مرکزی بطور مخفیانه اطلاعاتی تحصیل نماید.

(۱) در طی مقالاتی که تحت عنوان « جنگهای نادر شاه » انتشار خواهد یافت، در نظر گرفته ام که نیرد های تاریخی این نایبه روزگار را حتی المقدور و در حدود مدارك موجود و تفصیلات عمیقی که در این باب شده است از روی اصول منظمی برشته تحریر در آورده و به مرض افکار قارئین محترم بجزله قشون بگذارم. بناءً علیهذا از مهم ترین جنگ های نادری که عبارت از جنگ با هندوستان است شروع مینمائیم.

مدارك مطالعات ما در این قسمت بخصوص از کتب خارجی است.

۱- « تاریخ هندوستان در قرون اخیری » است که در قرن هجدهم بوسیله مورخین هندی تهیه و در سال ۱۳۲۵ از هندی بزبان فارسی ترجمه و طبع شده است. قسمت عمده مطالعات ما از روی این تاریخ راجع باوضع سلطنت مغول در هندوستان قبل از ورود قشون ایران و علل و اسبابی است که باعث قشون کشی نادرشاه شده است.

۲ - تاریخ جنگهای نادر شاه تألیف ژنرال « کیشیش اوف » روسی

۳ - از کتب داخلی « روضه الصفاء و قعات بایری » مسیر جهانگیری، پادشاه نامه و تاریخ عالم گیری است.

از طرف دیگر بین دولتهای (ایران و هندوستان) از دیر زمانی بر سر افغانستان و حوضه سند اختلافات و کشمکشهایی موجود بود که حل و تصفیه آنها غیر ممکن بنظر میرسید .
بعلاوه چون نیت اصلی نادرشاه بر این بود که سرحدات شرقی ایران را بر حدود طبیعی قرار دهد ،
باینواسطه جنگ با دولت بزرگ هند که یکی از دول معظمه آسیا بشمار بود ، امری ناگزیر بنظر میرسید .
در همین اوان یعنی مقارن سال ۱۱۵۰ هجری اختلال اوضاع داخلی هندوستان بمنتهای
درجه رسیده بود و نادرشاه برای دفعه ثانی از خرابی کار قشون و حکومت هند توسط وزراء آن
مملکت اطلاعات جامعی بدست آورد و این وضعیت را مغتنم شمرده ، برای حل قطعی مسئله افغانستان
چندین مراسله رسمی بعنوان (محمدشاه) ارسال داشت (۲) ولی مانند دوره های سابق باین مراسلات هم
جواب قاطعی داده نشد . تا اینکه در سال ۱۱۵۱ هجری مناسبات سیاسی تا اندازه کسب و خامت
ممود و بالاخره نادرشاه بوسیله « مصحوب » نماینده فوق العاده و ایلیچی مخصوص ایران مکتوبی بپادشاه
هند نوشته و برای تصفیه مطالب مختلف فیه نظریه قطعی او را خواستار شد . ولی متأسفانه با تمام سعی
و کوشش ایلیچی مخصوص ایران مأموریت او فیصله یافت و در اثر انقلابات داخلی هندوستان ،
در دهلی بابتخت آن مملکت به قتل رسید .

از استماع خبر این قضیه ناگوار ، نادرشاه فوق العاده بر آشفت و بشرح یادداشت رسمی ذیل
بپادشاه هندوستان پروتست نمود :

« خیلی عجب است که شما در امور مملکتی اینقدر بی اعتنا و بی قید باشید . باوجود اینکه »
« مکرر بشما نامه نوشتم و سفیر فرستادم ، اظهار دوستی کردم ، وزراء شما لازم ندیدند برای من »
« جواب کافی بفرستند ، بواسطه عدم انتظامات ، بک از سفرای من برخلاف قوانین دنیا و بخصوص »
« قوانین مقدسه اسلام در بابتخت شما کشته شد . لذا برای جبران این لعنه بزرگی که بحیثیات »
« ما وارد آمده است و رفع مسائل مختلف فیه ، باید قسمت شرقی افغانستان را بطور گرو و ده کرور »
« تومان بعنوان خسارت جمع آوری و تمرکز قشون در ولایات شرقی ایران و خون بهای سفیر »
فوق العاده مابدون هیچ گفتگو بدولت ایران تسلیم و تحویل دارید .

امضاء : نادرشاه افشار - فی پنجم جمادی الثانی ۱۱۵۱ .



در اثر این وقایع سیاسی (روز ۲۹ جادی الثانی ۱۱۵۱ هـ) بالاخره مناسبات دولتی قطع گردیدند و از طرف ایران بدولت هند رسماً اعلان جنگ داده شد. (۳)

استعداد جنگی طرفین

قوای دولت ایران پس از رفع اغتشاشات ناحیه (قندهار) دولت

ایران دوباره در کمال فوریت به ترمز قوا پرداخته

و در قلیل مدت در حدود شهر مذکور قوای معتدبه (۴) جمع آوری و تهیه نمود که مرکب از صنوف مختلفه ذیل بود:

پیاده نظام	۶۰,۰۰۰ تفنگ دار
سوار نظام	۳۱,۰۰۰ نیزه دار و شمشیر دار
گارد مخصوص شاهی	۵,۰۰۰ نفر پیاده و سوار
توپخانه و نقلیه	۷,۰۰۰ نفر

پیاده نظام - شصت هزار نفر پیاده نظام مطابق تشکیلات نظامی آنوقت به ۶۰ فوج تقسیم و هر یک از افواج دارای یک فرمانده و ده نفر صاحب منصب بود و باسم (شهر خود) خوانده میشد. نظر باینکه بر طبق مرسوم آن عهد، فرمانده هر صنفی از سردکرگان همان صنف انتخاب میشد لذا در این موقع فرماندهی کلیه افواج پیاده ایران به «طهباسب خان وکیل» (۵) محول شده بود. چون نادر شاه بر این عقیده بود که صنف پیاده، صنف اصلی و ممتاز قشون است و توجه نامی به تنظیم و تعلیم پیاده داشت، از این جهت کلیه افواج پیاده ایران از حیث تعلیم و تربیت و انضباط در قطعه آسیا مقام اول را حائز بودند. افراد پیاده مجهز به تفنگ سرپیر و برای محاربه از مسافت نزدیک، اسلحه سرد متنوع داشتند.

(۳) - نادر شاه در آن موقع در ریاست نبود، قبلاً امورات داخلی و خصوصاً اوضاع قسمت غربی مملکت را منظم کرد و «رضانلی میرزا» را وکالاً بجای خود گمارده برای اصلاح و تنگی امورات شرق ایران بطرف شهر قندهار، قشون کشید. محل ترمز قوا را آنجا قرار داد و در آن صفحات مدت چهارده ماه اقامت نمود. در ولایت قندهار و کهنه امنیت و آسایش را کاملاً برقرار نمود و وزی که آخرین یادداشت جنگی را بدولت هندوسان داد، قرارگاه عمومی در شهر قندهار بود.

(۴) - در توضیحات تاریخ هندوسان منطبقه در شهر کهنه در سال ۱۲۰۰

(۵) - «رسته و کبلی» در تشکیلات آنوقت یکی از بالاترین مقامات بود.



سوار نظام - واحد سوار نظام ایران در آن دوره بقرار ذیل تقسیم بندی شده بر -

۴۰۰۰ سوار تحت فرماندهی حاجی بیك سرتیپ قرار داشت که اردوگاه آنها در يك فرسنگی طرف مشرق قندهار بود .

۱۰۰۰ سوار از طایفه افشار بفرماندهی جوان قلیخان سرهنگ .

۶۰۰۰ سوار ابوابجمعی سردار افشار (هزار نفر اژبک ، هزار نفر گرجی ، دو هزار نفر رکن و دو هزار نفر قزلباش) .

۵۰۰۰ سوار از نواحی غربی افغانستان تحت امر صفی خان سرتیپ

۶۰۰۰ سوار ذخیره بفرماندهی سرهنگ حسینعلی خان

۲۰۰۰ سوار بفرماندهی ایل یکی افشار تشکک يك قسمت مستقلى را میداد .

توپخانه و نقلیه - عده های توپچی و دستجات نقلیه قشون ایران بالغ بر ۷۰۰۰ نفر و تحت ریاست يك فرمانده علیحده قرار داشتند . نوع توپها ، از توپهای سنگین و متوسط سرپر و جنس آنها از برنج و مس و رویه گرفته بالغ بر يك صد عراده بود . ولی پس از فتح قلعه کابل و سایر نقاط افغانستان شرقی بيك صد و چهل عراده رسید . (۶)

گارد مخصوص شاهي - پنج هزار نفر گارد شاهي مستقیماً تحت فرماندهی قاسم خان اعتماد الدوله قرار داشت و مرکب از ۱۰۰۰ نفر شمشالچی - ۱۰۰۰ نفر چاوشی - ۱۰۰۰ نفر تیب - ۱۰۰۰ نفر قراول خاصه و ۱۰۰۰ نفر جلودار بود که در پیشاپیش قوای عمده حرکت میکردند و قوای گارد مخصوص شاهي در غالب جنگهای تحت امر مستقیم شخص نادرشاه میجنگیدند . هنگام یورش و حمله با کمال رشادت و تهور با فریاد « فتح با شاهنشاه است ! » خود را بروی دشمن می افکندند .

قوای دولت هند - بطور کلی میتوان گفت دولت هندوستان مانند ایران دارای قشون منظم و دائمی نبود . قوای

حاضر خدمت آن بدو قسمت تقسیم می شد :

قشون سلطنتی و قشون سرحدی . قشون سلطنتی عبارت از ۲۰ « کرویه » (۷) سده

(۶) - اقتباس از پادشاهنامه .

(۷) - « کرویه » منزله افواجی است که هر يك دارای چهارصد نفر عده باشد . ح . ق

ویک دسته سوار غیر منظم بود.

توبخانه سلطنتی در تمام هندوستان و در قلاع نظامی به ۳۵۰ عراده بالغ می‌شد. باضافه قوای سرحدی و عده های ساخلو قلاع نظامی بود که در سه نقطه تمرکز داشتند (کابل - پيشاور - لاهور).

استعداد کل قوای هند برآکنده و نا معلوم بود، بطوری که جمع آوری و تمرکز آنها تقریباً تا پایان جنگ بطول انجامید و بموجب تخمین غیر رسمی بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر میشد. بهترین قسمت قوای هند را قسمت سرحدی تشکیل میداد، زیرا از مدتی قبل پیشرفت و فتوحات پیاپی دولت ایران در محاربات قفقازیه، ماوراء خزر و بین النهرین، دولت هندوستان را باین فکر انداخته بود که برای جلوگیری از تجاوزات احتمالی قشون های همسایه بالاخص قشون ایران، در سرحدات شمال غربی خود، قوای معینی را تمرکز داده و قلاع آن نواحی را مستحکم نماید از این رو قبل از شروع عملیات سه عده قوای سرحدی و ساخلو قلاع کابل، لاهور و پيشاور حتی المقدور افزوده شد ولی با تمام این بیش اینها دولت هند نتوانست در اوائل جنگ در تمام نقاط سوق الجیشی عده متضمنی را تدارک دهد. (۸)

نقشه جنگی طرفین

ایران - نیت نادرشاه که بنا بر تصمیمات سیاسی و عملیات تمرکز قوا بطور قطع اتخاذ

حالت تعرضی بود ولی نکته مهمی که در انجام این مقصود فکر او را متوجه

ساخته بود، موضوع انتخاب طرق سوق الجیشی بود. در اینباب در نتیجه شور با سرکردگان و

فرماندهان صنوف مختلفه، راه شمال شرقی از هر جهت مناسب تر از راه جنوب شرقی (بلوچستان

شرقی) نظر رسید؛ مخصوصاً وجود هدف های مهم در سران راه که عبارت از قلاع نظامی مذکوره

در فوق بود، توجه دقت عموم سران ساد را براه شمال شرقی جلب و بالاتفاق همین را مصلحت دیدند.

موضوع دیگری که در اجرای نقشه بزرگی مداحانه عمده داشت، وسائل نقلیه قشون بود:

علیهذا از بدو تمرکز قوا توجه نادرشاه، بنسئله عطف گردید، ولی چون تهیه دواب بارکش از یک

طرف موکول باقتضای فصل و مشغله رعایا بود و از طرف دیگر طاقت دواب برای حمل و نقل بارهای

سنگین و سفر طولانی، البته پس از چرای بهار و تابستان بیشتر می‌شد. از این رو نادرشاه تصمیم

(۸) در سال ۱۱۵۰ هجری نواحی شرقی افغانستان بطور بجه مستقل در تحت قیومیت دولت هندوستان بود.

گرفت که قوای خود را در اوائل پائیز بطرف مقصد حرکت دهد در ضمن برای جمع آوری دواب مقرر داشت (۹) تمام ممالک مسخره در مشرق و همچنین ولایات شرقی ایران، يك عده معین دواب تهیه و بمحل تمرکز قوا حرکت دهند. باین ترتیب در موعده معین تمام قشون دارای وسائل نقلیه کافی شد. (۱۰)

هندوستان - اما دولت هندوستان بنابر وضعیت و اوضاع قشون خود و همچنین از لحاظ اهمیت نظامی قلاع افغانستان، مصمم شد تا زمانی که بتواند تمام قوای خود را در يك نقطه سوق الجیشی تمرکز دهد. عجله بوسیله قلاع نظامی مستحکم و تنگه های مهم «هندوکش و خیبر و کوه سلیمان» از پیشروی دشمن جلوگیری نموده و بعد بنابر وضعیت آینده رفتار نماید.

فصل دوم

مخابرات سردی

۱ - عملیات تعرضی در افغانستان بنا بر تصمیم اولیه راجع
بانتخاب راه شمال شرقی

ستون راست که در بلوچستان قرار داشت، بطرف این راه احضار گردید و سمت حرکت قوا قبلاً بطرف شمال شرقی: هدف شهر کابل - بعد از تصرف آنجا از راه تنگه «خیبر» بجانب مشرق و پس از وصول به «پشاور» بطرف جنوب معین گردید.

در پائیز سال ۱۱۵۱ هجری روز چهارم سنبله، قوای ایران در سه ستون از جاده [غزنین - کابل] شروع به پیشروی نمود.

چون جاده های فیما بین غزنین و قندهار برای حرکت ستونها چندان مساعد نبود لهذا باریک‌گه های وافر فصل پائیز ممکن بود راه را مسدود و قشون را در این نواحی کم حاصل از حیث آذوقه دچار مضیقه نماید، علیهذا با هر يك از ستونها، قطارهای بزرگ حامل آذوقه و علیق حرکت داده شد که وسائل

(۹) - چون در این موقع کلیه استعداد نادر شاه بیش از یکصد هزار نفر نمیشد و از طرفی هم رفتار اهالی افغانستان نسبت به ایرانیان خصومت آمیز بود مشارالیه صلاح در این دانست که قبلاً وسایل ارتباط را با خط «اصفهان» تأمین و بعد به تعرض خود ادامه دهد. بدین جهت مصمم «تسخیر قلعه «کابل» شد، مشروط بر اینکه مست بلوچستان در تحت مراقبت باشد.

(۱۰) - اقتباس از کتاب ژنرال «کبشیش اوف» روسی که همتاد سال قبل در شهر «سن پترزبورگ»

بطلع رسیده است. ج = ق

اعاشه اردو تا اندازهٔ تأمین شده باشد. (۱۱)

البته اگر قوای ایران تدارکات خود را در بهار قبل ناتمام رسانیده و در اول تابستان موفق بحرکت می‌شده، این اشکالات بمراتب کمتر و عملیات پیشروی به تعویق نمی‌افتاد.

مبادرت به تعرض از وسط افغانستان بطرف هند کار بس مشکل و سخت بود، ولی عزم آهنین و اراده توانای نادرشاه بر آن همه موانع و مشکلات طبیعی و مصنوعی قایق آمده و بالاخره ستون‌های قشون را از جبال شامخه افغانستان عبور داده و موانع مصنوعی خصم را نیز منهدم ساخت. تعرض از وسط افغانستان از مهمترین عملیات نظامی نادرشاه افشار بشمار است زیرا از يك طرف تصرف قلاع متین افغانستان و از طرف دیگر استیلای بر بلاد دور دست خطوط سوق - الجیشی که در اثنای این تعرض تاریخی سهولت و سرعت انجام گرفت، تمام اینها دال بر کفایت و دور اندیشی و مجاهدت خستگی ناپذیر این نابغه روزگار بود در اردو کشیهای سرداران مغرب زمین حتی در قرون اخیر هم کمتر دیده شده است که مانند نادر شاه نتوانند با وسائل آن روزه، قوای معظمی را از وسط يك مملکت صعب العبور کوهستانی بدون تلفات و خسارات مهمی عبور داده و موفقانه به هدف حقیقی برسانند.

در آرایش راه پیمائی قرارگاه کل متعاقب ستونها حرکت مینمود و بسیاری از امرای و سرکردگان ایران و ممالک مسخره ملتزم رکاب نادرشاه بودند.

در جلو ستونهای پیاده مطابق اصول جنگی آن روزه يك عده سوار نظام سبك به ترتیب ذیل

حرکت مینمود :

(۱۱) قبل از شروع عملیات جنگی موصیحه استمداد کل قوا در صحرای « قندهار » تمرکز و در حال اجتماع توقف داشتند، نادرشاه که فرماندهی کل قوا را به عهده گرفته بود، در حضور فرماندهان و صاحب‌نصابان و افراد نطق ذیل را ایراد کرد :

صورت نطق :

« مشکلات گذشته از در بندهای صعب العبور و سلسله جبال مرتفع و رودخانه‌های عظیم بسیار مشکل است، باید با قشون سلطنتی هندوستان بجنگیم و بغت خود ما را در چنین جنگ مهم بعرض آزمایش گذاریم، فتح و موفقیت، ما و ملت ایران را سربلند و مغلوبیت و شکست قشون، ملت و دولت را به ذلت خواهد انداخت. در این جنگ عظیم و سفر طولانی نه تنها ما، بلکه تمام ملت هم از غنائم و ثروت هندوستان بهره مند خواهیم شد. برویم به خدا »

« با ما است. »



۱
و مغرب عربین شروع به تعرض نمودند و همبستگی در حدود شهر نائره حدك افروخته
و اضطراب فوق العاده به اهالی دست داد و تا اینکه بنا بر مرسوم قرون احری شم

- » جنگ مهم تعرض آزمایش گذاریم. فتح و موفقیت، ما و ملت ایران را سربلند و مغلوبیت و شکست
- » قشون، ملت و دولت را به ذلت خواهد انداخت. در این جنگ عظیم و سفر طولانی نه تنها ما،
- » بلکه تمام ملت هم از غنائم و ثروت هندوستان بهره مند خواهیم شد. برویم به خدا
- » یا ما است.»



عده سردار افشار مرکب از ۶۰۰۰ سوار و دو عراده توپ سبک از قریه «میرمند آباد» حرکت و مأموریت داشت از طریق قندهار - غزنین بسمت گردنه «شیردهان» پیشروی نماید. عده حاجی بیگ مرتب مرکب از ۴۰۰۰ سوار میبایستی از جنوب شهر قندهار در تعقیب رودخانه «تارنا» پیشروی نموده، در طرف مغرب دو فستنگی گردنه «شیردهان» به قوای سردار افشار ملحق شود و عند اللزوم در ساحل چپ رودخانه مزبور اکتشافاتی بعمل آورند. مطابق اصول تاکتیکی قرون اخیره چون تعرض اولیه «پوشش قوا» تعیین هدف اصلی، اکتشافات سوق الجیشی بعهد سوار نظام بود، بدین لحاظ قسمت سوار در پیشاپیش قشون حرکت پیاده نظام در قلب و سایر دستجات هم مؤخره الجیش را تشکیل میدادند.

در موقع پیشروی ترفیق توپخانه با سوار نظام هم یکی از قواعد جنگی نادر شاه بود و در اردو کشیهای معظم له قوای مقدم ایران همیشه مجهز به توپخانه سبک می شد. وضعیت جاده های آروزه برای عبور توپخانه سنگین مناسب نبوده و بعلاوه وجود سلسله جبال سلیمان و شیردهان در سر راه و نزدیکی فصل زمستان باعث شد که نادر شاه فقط از توپهای بسیار سبک کلیه چهار عراده با سوار نظام حرکت دهد. پیشروی سوار نظام تا حوالی شهر غزنین بدون مانع عمده انجام گرفت و در حدود جنوب غربی این شهر برای اولین دفعه قوای طرفین با هم تماس پیدا کردند. فرمانده ستون اول سوار، حاجی بیگ مرتب، راجع باوضاع اهالی افغانستان غربی و استعداد دشمن راپرت مشروخی تهیه و روز چهارم رجب بخدمت نادر شاه ارسال داشت. پس از وصول راپرت فوق و اطلاع بر اینکه در شهر «غزنین» و اطراف قوای مختصری از دشمن وجود دارد، نادر شاه تصمیم گرفت که هر دو ستون سوار نظام مقدم از طرفین به شهر مزبور تعرض نمایند و برای تقویت آنها نیز عده سواری که تا آنوقت تحت امر مستقیم قرارگاه کل بود، با اختیار سردار افشار گذاشته شد. خود نادر شاه نیز با قوای عمده بطرف غزنین حرکت نمود.

تا محل «قره باغ» شش فرسنگی غزنین عموم اهالی اظهار اطاعت نموده و مراسم احترام و اعزاز را بجا آوردند و از جانب نادر شاه نیز بکلیه سکنه ارازمهربانی و ملاحظت شد.

روز ششم ماه رجب هر دو ستون سوار در اجرای حکم فرمائده کل از دو سمت، جنوب و مغرب غزنین شروع به تعرض نمودند و همینکه در حدود شهر نائره جنک افروخته شد وحشت و اضطراب فوق العاده به اهالی دست داد و با اینکه بنا بر مرسوم قرون اخیری شهر دارای برج

و باروی مستحکم بود، معیناً موسی خان حاکم ولایت از شهر فرار نموده دفاع قلعه و شهر را
بعهد اهالی واگذار کرد

مخاربه عده پیشقراول سوار در جنوب شهر ادامه داشت و جمعی از افغانه که در بیم فرسنگی
شهر بودند بدفاع پرداختند ولی نهاجم سواران ایران بجالی بآنها نداده و شهر از هر طرف مورد
تعرض واقع گردید. در این موقع اهالی شهر چاره جز اطاعت و تسلیم ندیده و باستقبال سوارانی که تا
پای حصار و دروازه ها نزدیک شده بودند شتافتند.

اهالی دسته بدسته با بیرقهای متعدد از دروازه ها خارج و باستقبال سوارهای دویبند
و تفنگچیانی که از جلو سوارها منبهم شده بودند در بین دستجات اهالی مخفی میگرددند.

خلاصه شهر بدون قید و شرط تسلیم شد و مقارن ظهر سوارهای ایران داخل شهر شده
و عده از تفنگچیان را که در قراوانخانه ها و مساکن اهالی مخفی و متحصن شده بودند خلع سلاح
نمودند. عده این تفنگچیان بالغ بر شصت نفر سوار و پیاده بود و بعلاوه پنج عراده توپ سنگین
هم بغنیمت گرفته شد

مقارن غروب نادر شاه با عده قوا وارد شهر گردید و روز ۷ بمناسبت اطاعت و
انقیاد اهالی از تمام آنها استعانت نموده و اطمینان داد که جان و مالشان در امان است. موقع
ظهر آن روز اعلانی در شهر منتشر شد که ناهین اهالی مشروط بر این خواهد بود که نسبت
بحکام و مأمورین نظامی مطیع صرف بوده و باقوای ساخلوئی که برای حفظ و حراست شهر و اطراف
گماشته میشود کمال مساعدت و همراهی را داشته باشند و اگر بر خلاف رفتار نمایند شهر با
خالک یکسان خواهد گردید.

روز بعد بستونهای سوار امر حرکت داده شد و علی الطلوع عده پیشقراولان بطرف «غربند»
رهسپار شدند. توقف خود نادر شاه نیز در این محل چندان طول نکشید و پس از گذاشتن عده
ساخلو در شهر و توابع آن، موکب نادری بطرف هدف وسطی (کابل) حرکت نمود.

روز چهاردهم پیشقراولان سوار نظام ایران در دهنه جبال شرقی «غربند» و «آلوهک»
در نزدیکی گردنه «شیردهان» به عده های سرحدی هند و افغانان بر خورده و مصادمه
فیما بین شروع شد. ولی پس از زد و خورد مختصری قوای هندی از شکافهای آلوهک بطرف گردنه
«شیردهان» عقب نشینی نمود.

وضعیت طبیعی گردنه برای دفاع فوق‌العاده مساعد است و برای تهدید جناحین آن بهیچوجه راه مخصوصی پیدا نمیشود. علیهذا دستجات سوار نظام ایران بتدریج دريك فرسنگی «شیردهان» مجتمع شده و بوسیله اهالی به تحقیقات لازم و راجع براههای اطراف کوهستان پرداختند. ضمناً چند نفر از اهالی را بمعیت دستجات گشتی اکتشاف در آن سمت فرستادند. متعاقب آن ۱۰۰۰ نفر پیاده با چهار عراده توپ سبک در سمت عمومی بحرکت آمد و دستجات سوار نیز پشت سر این عده بارامی رهسپار شدند.

قبل از ظهر محاربه از طرف دشمن بوسیله توپخانه شروع گردید و در این موقع فرمانده قسمت سوار عده خود را متوقف و در داخل دره مجتمع ساخت. در جلو گردنه و تپه های اطراف آن از دور سنگر های متعددی دیده میشد و وضعیت تدافعی گردنه از حیث جان پناهیهای طبیعی و سنگر هایی که تهیه شده بود خیلی مستحکم و حفاظت آن با عده قلیلی ممکن بنظر میرسید. آتش چهار عراده توپ سبک قوای ایران نسبت بانها چندان تأثیری نداشت ولی بر عکس آتش توپهای دشمن بایرانیها صدمه زیادی می‌رسانید. در بین دستجات دیگر از قوای ایران که از تپه های اطراف دور زده بودند به هدف نزدیک شده و مقارن ظهر صدای تیر و تفنگ آنها بشدت هر چه تهاوتر پرداخته منعکس شده و بگوشها می‌رسید. و چون اهالی محل (باستثناء اهالی سیاه کوه) (۱۱) با قشون ایران مساعد بودند بر اهلهائی چند نفر از آنها از جناح راست سیصد نفر پیاده بطرف دستجات فوق اعزام شد. هنگام ظهر دستجات مدافعی جناحین خود را در معرض تهدید دیده، خط گردنه و تپه ها را تخلیه و بطرف کابل عقب نشینی نمودند. این ترتیب معبر مهم شیردهان آزاد شد و قوای ایران در حال ستون از این معبر گذشته حرکت خود را بسمت کابل ادامه دادند.

۲- اولین تلافی قوای طرفین: تا امروز (۲۶ دسامبر) مصادعات بین طرفین تقریباً منحصر به بعضی زد و خورد های قوای پیشقراول بود، ولی از دوم اکتبر که عده های افغانه برای ملحق شدن به

(۱۱) موقعیکه در گردنه «شیردهان» پیشقراول ایرانیان مشغول محاربه بودند، نادر شاه در بین راه به نقاط لازمه از قبیل (سیاه کوه) و [بازان] عده مخصوصی فرستاده بطوائف کوه نشین گوش مالی داده به این وسیله عقب سر و جناحین قوا را تامل نمود.

ج: ق

قوای هند بطرف قلعه کابل عقب نشینی نمودند. از طرف نادر شاه حکم تعرض جدی بشرح ذیل صادر گردید :

قوای عمده یا دوستون حرکت خواهد نمود: ستون اول از راه (سید آباد - شیخ آباد - خود کابل و کابل) و ستون دوم در سمت گردنه « بامیان » (۱۲)

ستون اول تمام سوار نظام خود را بجلو انداخته در سمت کابل ب حرکت آمد و ستون دوم نیز در سمت گردنه « بامیان » رهسپار گردید.

در این موقع ناصر خان فرمانده قوای هند و افغان عمده های خود را در جنوب کابل متمرکز میداد و از دربار دهللی نیز باو حکم شده بود که تا ورود قوای کمکی به معابر کوهستان، باید بهر وسیله شده است از پیشرفت اردوی ایران جلو گیری نماید ولی اولاً ورود قوای کمکی از پیشاور بطوریکه پیشبینی میشد صورت نگرفت و ثانیاً ناصر خان با عمده موجوده خود اجرای امر را جلو گیری را در مقابل قوای کار آزموده و معتنی به نادر شاه محال می شمرد. علیهذا عمده مقیم کابل را اجباراً به پسر خود (شرزه خان) سپرده و شخصاً بطرف پیشاور حرکت کرد.

شرزه خان فرمانده قلعه بالکاء علماء و متنفذین محل اهالی را بدفع دشمن ترغیب و تشویق نمود و در نتیجه اقدامات مؤثر او در ظرف دوازده روز قریب ۲۱۰۰۰ نفر برای مدافعه حاضر شدند. از این عمده دو هزار نفر در در فرسنگی جنوب غربی کابل استقرار داشتند

قوای ایران پس از منهزم نمودن قوای مقدم هند، روز سوم اکتبر بمسافت يك فرسنگی قلعه رسیده اردوی زدند و بتلايه های طرفین در حال تماس بودند

يك روز بدینمنوال گذشت و از تسلیم شدن قلعه خبری نرسید، زیرا قبلاً گفتگویی در بین بود که افغانیها رسولی یا بیرق سفید فرستاده و بدون جنگ تسلیم میشوند.

روز چهارم اکتبر، مجدداً حکم پیشروی صادر شد. قوای پیشقراول ایران چندین دسته گشتی ماءور اکتشاف برای تحقیق وضعیت استحکامات قلعه باطراف آن فرستاد و همینکه دستجات اکتشاف به حصار های قلعه نزدیک شدند از طرف مستحفظین قلعه بآنها شروع به شلیك

[۱۲] — یکماه قبل از حرکت عمومی قوا، به قوای مقیم [مره] که جدیداً بتارواضع ترکستان در تحت فرماندهی رضاقلی میرزا قرار داشت، امر شده بود بعد از عبور از گردنه « بامیان » در حوالی همین جاده یعنی در بین کابل و غزنین به اردوی شامنشاهی ملحق شود.

شد و بدین ترتیب اولین محاربه جدی بین طرفین در گرفت. (۱۳)

۳ - محاصره قلعه کابل کابل با استحکامات ناقصی که داشت، حصن حصینی محسوب نمیشد و در واقع یکی از قلاع ناقص قرون اخیری و بمنزله موقعیت مستحکمی بود که در خط دفاع قلعه خیلی از بروج آن کسر بود. هر چند شرزه خان فرماده جدید قلعه، توانست که تا اوائل محاصره نواقص را تا یکدرجه معجلاً تکمیل نماید.

شهر کابل در محل پستی واقع است که از سه جهه بکوه‌های بی آب و علف محدود میباشند. رودخانه معروف به «کابل رود» هم از قسمت جنوب غربی داخل رشته جبال، دره را تشکیل میدهد که یگانه معبر آنجا محسوب میشود. خط سوق الجیشی هند به غزنین از همین دره عبور می‌تساید. برای حفظ این معبر از قسمت جنوب شرقی شهر از روی ارتفاعات جبال تا خود همین دره حصار با باروهای بالنسبه محکم کشیده شده و همین حصار از سمت دیگر تا برج «عقاین» یعنی طرف غربی شهر امتداد پیدا می‌کند، بعلاوه خود شهر هم دارای خندق و خاکریزهای عمده است.

ب - شروع تهاجمات نادر شاه تصمیم گرفت قوای سوار نظام را تماماً برای سد کردن راه پیشاور و یک قسمت از پیاده را برای محاصره قلعه مأمور نماید.

در اجرای این تصمیم سوار نظام ایران در مشرق کابل روی خط (پیشاور - کابل) استقرار یافت

[۱۳] - خلاصه وقایع: نادر شاه بعد از تسخیر «غر بند» و «غزنین» و گذاشتن ساخلو مکفی در آنجا به محیط شهر «کابل» آمد و آنجا را محاصره کرد. ناصر خان فرمانده قوای هند، قل از ورود نادر شاه از شهر کابل حرکت کرده به شهر «پیشاور» رفت ولی «شرزه خان» مدت شش هفته شهر و قلعه کابل را دلیرانه حفظ کرد و مکرر به ناصر خان و به دربار هند کاتبه نوشت و امداد خواست، کسی نداد او نرسید بالاخره قشون نادر شاه شهر و قلعه را به یورش گرفتند و او و پسرش را بقتل رسانیدند. نادر شاه خزینه از جواهر و اسلحه و غیره که قیمت آنها بمبلغی گزاف میرسید و از زمان پادشاهان بآبری در زیر زمینها محفوظ بود بدست آورد.

در ششم اکتبر ۱۷۲۸ (مطابق سوم ربیع الاول) قسمتی از قوای پیاده که مأمور تصرف قلعه بود مطابق اصول معمول آن قرن شروع بعملیات محاصره نمود .

قوای فوق شب هفتم اکتبر خود را به نزدیک قلعه رسانیده سفیده دم یازد و خورد مختصری قریه « اولنک » را متصرف شدند .

توپخانه در محیط قلعه مشغول بمباردمان بود .

قریه مذکور در اول تنگه واقع و تا کوه سیاه نیم فرسنگ مسافت دارد و برای اشغال این

مسافت نیز عده مستقلی معین شده بود .

خلاصه نادر شاه در محیط اطراف قلعه کابل بیست فوج را به قطعات جنگی مختلفه مأمور گردانید و در نتیجه اکتشاف تعرضی معلوم شد که برج « عقابین » کلید تمام سنگرها و برجهاست و استیلای بشهر منوط به تصرف این برج است . موضوع تصرف برج مزبور در شورای سرداران و فرماندهان قشون مطرح و در ليله هشتم قرار شد افواج لرستان و ترا که برای تصرف این برج مأمور شوند .

روز هفتم محاربه با فواصل زیاد در هر نقطه اطراف ادامه داشت ولی هنوز قوای عمده شروع به تعرض نموده بون و فقط دستجات گشتی افواج به اکتشاف تعرضی مشغول بودند .

مقارن ظهر عده از مدافعین قلعه از کوههای اطراف خارج شده و مبادرت بچنگ کردند ولی عملیات آنها بی نتیجه ماند .

در مناطق دیگر نیز تا مقارن غروب زد و خورد ادامه داشت . هنگام غروب با نادر شاه افواج هرسین و بروجرد در سمت برج عقابین شروع به تهاجم نمودند و با اینکه موقعیتشان خیلی نامساعد و خطرناک بود مع هذا حتی المقدور بی شروی آنها در تحت حمایت آتش توپخانه انجام مییافت . مقارن ساعت ۱ شب دشمن در تحت فشار مهاجمین مواضع مقدم را تخلیه نمود و مواضع مزبور بتصرف و اشغال ایرانیان در آمد و باین ترتیب از سمت مغرب استحکامات بشهر دسترس پیدا کردند .

شب بدون حادثه گذشت و از صبح روز هشتم مجدداً در اطراف قلعه محاربه شروع شد . در سمت مغرب حدود منطقه عقابین چنگ شدید و خونینی در گرفت ، زیرا ایرانیان شبانه توپها را بمواضع اشغالی حمل نموده و در تمام مدت روز برج عقابین را هدف آتش توپهای خود قرار داده بودند

در نتیجه بمباردمان توپخانه، طرف عصر باستحکامات برج خرابی زیادهی رسید و راه تعرض پیاده از شد. لهذا از افواج بختیاری، لژگی و ترکمن يك عده دار طلب شده و با کمال تهور و رشادت خود را بقله کوه رساندند و از آنجا به داخله برج خمپاره های دستی انداختند و مدافعین را مجبور به خارج شدن از برج نمودند.

در تعقیب این عده دار طلب افواج لرستان که صفوف حمله را تشکیل میدادند با قدم دو خود را به آن نقطه رسانیده و مواضع متصرفی را توسعه دادند ولی تنگی وقت و تاریکی شب دامه عملیات را بیش از این اجازه نداد.

در سایر مناطق نیز پیشرفتهای مهمی شده بود و آن شب را قوای طرفین بحال هوشیار و حاضرالسلاح بسر بردند و حتی در بعضی نقاط نیز مصادمات مختصری بوقوع پیوست.

روز بعد ۹ اکتبر از ارتفاعات مشرف به قلعه کابل بوسیله نوبهائی که دستجات دارطلب آنجا کشانیده بودند بطرف قلعه بمباردمان شروع شد. مواضع مهم تدریجاً از تصرف مدافعین خارج شد و تیرهای توپخانه ایرانیان با کثر بناها و عمارت حکومتی خرابی و خسارت عمده وارد آورد. (۱۴) امروز پیشرفت مهم فقط در این منطقه بود و قسمت عمده قوا در پشت این منطقه تمرکز یافت. اگر توپخانه موجوده برای تمام محیط قلعه کافی بود، قلعه حتماً همان روز سقوط می کرد ولی در سمت جنوب شرقی آن هنوز نقاطی مانده بود که کاملاً تحت محاصره و فشار مهاجمین در نیامده بود. علیهذا يك قسمت از سوارهای مدافعین شبانه از آن سمت خارج شده از پراهه بطرف پیشاور فرار کردند. خارج شدن این عده برای مدافعین بهتر بود زیرا اینها در شهر تاری جز گردش در کوچه ها و پاسیانی نداشتند. در همین شب ایرانیها در نقاط دیگر هم حمله نمودند ولی موفقیتی بدست نیامد و زد خورد تا صبح ادامه داشت. روز بعد ایرانیها مجدداً شروع تعرض نمودند و مدت چهار روز لاینقطع محاربه در محیط قلعه دوام داشت.

در هفته ششم ایرانیان از هر طرف شروع به تعرض نموده و جنگ سختی در گرفت. روز آخر محاصره ایرانیها در طول قلعه مجدداً بمحاملات شدیدی مبادرت ورزیدند ولی آن روز هم حملات آنها از طرف افغانه و هندیها دفع شد. مخصوصاً شریزه خان بی نهایت فداکاری بخرج داد.

شب بعد ایرانیها هجوم کرده و موفق به تصرف بعضی از استحکامات قلعه شدند.

ج - سقوط قلعه : فردای آن روز یاسر نادر شاه تمام افواج بلاد درنگ بشهر هجوم آور شدند و در اثر این تهاجم استحکامات مهم قلعه سقوط پیدا کرد و يك قسمت از مدافعین که شرزخ خان هم جزو آنها بود از طرف شمال قلعه خارج شده و بحال تهاجم موفق بفرار گردیدند. اهالی با این وضعیت جز تسلیم و اطاعت چاره ندیده، جمعی را ازین خود انتخاب و برای اظهار انقیاد باردوی ایران اعزام داشتند. نادر شاه از جسارت جاهلانه آنها در گذشته امر و مقرر فرمود در صورتی که کلیه خزائن و مخازن دولتی را به مأمورین اردو تحویل نمایند، از تأدیه غرامت جنگ هم معاف خواهند بود. اهالی نیز امر معظم له را عیناً اجرا نمودند و تمام خزانه و قورخانه که در عمارت ارك محفوظ بود تحویل صاحب‌متصدان قشون ایران گردید. از جمله غنائمی که به تصرف قوای ایران در آمد ۱۰۰ زنجیر فیل و مقدار معتدبه آذوقه بود. فیلها به قسمت نقلیه سپرده شد و آذوقه هم بین افواج تقسیم گردید. از اهالی شهر نیز عده را داخل خدمت قشون نموده، برای خدمات راه سازی و تعمیر بناها و بعضی بیگاریهای دیگر مأمور ساختند.

پس از تصرف قلعه کابل دیگر در روی خط سوق الجیشی هندوستان مانع بزرگی نبود جز معبر «خیبر». عبور از معبر سوق الجیشی هندوستان بسیار مشکل بود. صرف نظر از موانع طبیعی و جنگی، چون در عملیات اولیه در عرض راه از [قندهار - ناکابل] بکلیه دواب نقلیه قشونی صدمه زیادی وارد شده بود، لهذا نقشه فرمانده کل قوای ایران بر این شده که چندی در حدود شهر کابل توقف نماید تا افراد قشون و دواب نقلیه رفع خستگی نموده و ضمناً هم نواقص کارهای قشونی را مرتفع سازند. همچنین در اطراف خطوط سواجیشی اقدامات لازمه را اتخاذ نمایند که بدین وسیله از خطرات عقب سر و جناحین آسوده باشند.

مطالعه - پس از محارباتی که در افغانستان وقوع پیوست، در صحنه جنگ طرفین سکوت و آرامش نامی حکمفرما شد: هندیها بواسطه عدم موفقیت در محاربات افغانستان مجبوراً منتظر رسیدن قوا از (دهلی) شدند و ضمناً فرصت را غیبت شمرده میخواستند قلاع شمالی پشاور و لاهور را حفظ نمایند. از طرف دیگر ایرانیها هم نمیتوانستند از افغانستان بطرف مشرق حرکت کنند زیرا اولاً قوای آنها کافی نبود، ثانیاً زمستان سختی در پیش بود و ثانیاً مسافرت طولانی افراد و دواب را طوری خسته کرده بود که بدون راحت باش بزرگ عملیات پیش روی غیر ممکن بود. لهذا طرفین قریب چهل و شش روز در اردوگاههای خود ساکت ماندند یعنی ایرانیها در حدود کابل خیر و هندیها در پشاور و لاهور.

فصل سوم

عملیات در معبر خیبر

حرکت اردو بطرف تنگه خیبر

۱ - طرح جدید عملیات قشون ایران : چنانکه در فصل دوم ملاحظه شد ،

نادرشاه با سقوط قلعه « کابل » هنوز نتیجه قطعی را بدست نیاورد . اگرچه درتهاجم اولیه قوای متفق هندوستان در جبهه افغانستان کاملاً مغلوب و منکوب شده بود ، ولی چون قوای خود هندوستان هنوز دست نخورده مانده و ممکن بود در عقب سر معبر خیبر (۱۵) و در مشرق سد در « دزیرک » (سند) که دارای ۲۱۰۰ کیلومتر طول میباشد) و در جبهه که از کوههای هندو کش تا دریای عمان امتداد مییافت قوای هند مجدداً جمع آوری و تمرکز یابد .

بنا بر این احتمال ، نادرشاه سعی بود هرچه زودتر از خاک افغانستان بجا ب هندوستان حرکت و فرصت خود آرائی بدشمن ندهد . ولی چون ستون شمال (تحت فرماندهی رضاقلی میرزا) هنوز رسیده بود و مطابق راپرت واصله ستون مزبور در اوائل ماه نوامبر قوای محمد ایران ملحق میشد ، لذا نادرشاه حرکت اردو را قدری بتأخیر انداخته و پس از خاتمه امور داخل « کابل » قریه « هندک » را در قرب جوار کابل برای اقامت اردو انتخاب نمود . این قریه از حیث آب و هوا و داشتن مراتع سبز و خرم برای اقامت اردو کاملاً مناسب بود . ضمناً تیپ سوار (بیک افشار) را تا نیم فرسنگی جلال آباد حرکت داده ، مراسله به محمد شاه نوشت و دو نفر از رجال افغانستان را با قاصد مخصوص حامل مراسله به پایتخت هند روانه نمود که حقیقت امر را به محمد شاه مکشوف ساخته و باو بفهمانند بعد از سقوط قلاع مهم افغانستان که در واقع در بهای روح الجیشی هند محسوب است اقدام بمقابله و جنگ جز خرابی مملکت سودی نخواهد داشت .

(۱۵) معبر ، غیر « یکی از مشهورترین تنگه مشرق زمین میباشد که قنعا آنرا کلید شمالی هند

ولی متأسفانه این مراسم به مقصد نرسیده (۱۶) و قاصدها بالاخره بقتل رسیدند. (۱۷)

پس از آنکه نادرشاه بوسیله سیاست توانست مصالحه جنگ را فراهم نماید، مجدداً برای تعرض سریع تصمیم گرفت. از طرف دیگر برای تأمین آذوقه و تهیه سیورسات اردو مأمورین باطراف فرستاده شد - و پوشش راه هند نیز بوسیله قوای سوارنظام کاملاً انجام گرفت. در این بین چون ساکنین قسمت شرقی افغانستان هنوز تحت اطاعت درنیامده بودند و بیم اغتشاش و مزاحمتی از آن طرف میرفت، لذا اردوی مخصوصی برای انقیاد طوایف آن حدود اعزام گردید و در نتیجه مصادمات مختصری طوایف آنجا را مطیع و خلع سلاح نموده با غنائم زیادی به « هندک » مراجعت نمود.

نادرشاه از پیشرفت سریع عملیات اردو بی اندازه خوشوقت شده و از نقطه نظر اینکه حتی المقدور از تعداد اشرار و گردنگشان محلی کاسته باشد به تمکین و اطاعت ظاهری رؤساء طوایف مذکور قناعت ورزیده از اغلب آنها داچوئی نموده و امر کرد عده از افراد خود را داخل خدمت قشون نمایند. (۱۸)

در این موقع قوای سوارنظام که قبلاً طرف مشرق اعزام شده بود قصبه (جلال آباد) را بسهولت تصرف و اشغال و قسمت شرقی آنجا را بصورت تدافعی در آوردند. در نتیجه قرارگاه کل از قریه « هندک » به « جلال آباد » انتقال یافت. اهالی جلال آباد و نواحی اطراف برای هر نوع خدمتگذاری حاضر و آماده شدند.

روز هشتم قوامبر ستون شمال بفرماندهی رضاقلی میرزا وارد « جلال آباد » شد و در جنوب جلال آباد در محلی موسوم به « تمکه ده » اردو زد. عده ستون مزبور که بالغ بر یازده هزار نفر بود فردای آنروز از سان همایونی گذشت. چون این ستون از مسافت بسیار دور رسیده بود

(۱۶) حاکم جلال آباد نماینده نادرشاه را از رفتن به پایتخت هند منع و باو و همراهانش چنین حالی نمود که این مسافرت سما! این نتایج مهم خطر عظیم دارد و شما رجه مصالحه خواهید شد، آنها هم این صلاح یدی حاکم را قبول کرده از حرکت خود داری نمودند.

از تاریخ ژنرال کشمش اوف اقتباس شد

(۱۷) نادرشاه قاصدها را بجاتر نموده، و شخص دیگری را برای این مقصود به « دهلی » فرستاد.

از تاریخ فضلی یک اقتباس شد.

(۱۸) فرماندهان بزرگ در موقع جنگ اقدامات سیاسی خود را با حرکات سوق الجیشی و تعیبه الجیشی توأم

کرده در داخله مملکت و در خارجه نمایشات و اظهاراتی که بر ضد قشون داده میشود ساکت مینمایند تا در موقع مقاله با فراغت خیال و اطمینان کامل به راهی دولت و ملت مشغول طرح نقشه و اجرای آن گردند.

سیاست آنها مبارزه دولت خواهد بود.

اوضاع و احوال آن بنظر فرمانده کل قوا خیلی پریشان آمد، اغلب افراد آن فاقد اسب بودند و آنهایی هم که اسب داشتند اسقاط و بی پا شده بود.

تجهیزات دواب خراب بود و در حدود يك نلک عده اسلحه و ملبوس مرتبی نداشتند، مشاهده پریشان حالی این عده باعث تأسف فرمانده کل قوا شد، زیرا رؤساء قسمتهای مختلفه ستون لا اقل میتوانستند در ترکستان غربی که اسبهای ممتاز و ارزان دارند نواقص ستون را از حیث اسب مرتفع نمایند در هر حال نادرشاه امر داد بفوریت رفع نواقص این ستون بپردازند. تمام فرماندهان (مین ها) و معاونین آنها هر يك دو رأس اسب یکی برای سواری و یکی جهت حمل بینه خریداری کنند.

تهیه دواب برای این ستون بعهده اهالی کابل و اطراف آن مقرر گردید و اسلحه خراب افراد با تفنگهای مخزن کابل معاوضه شد و لباس عده هم در ظرف سه روز بوسیله خیاطخانه اردو فراهم آمد.

نظر بچنگهای متوالی در ترکستان و شمال افغانستان و مشقات و زحمات زیادی که افراد ستون در مدت مأموریت خود تحمل نموده بودند، بکلی خسته و فرسوده شده و روحیه شان بنظر خوب نبود، علیهذا عده از افراد ستون را با افراد قسمتهای جدید تعویض نمودند و علاوه در تشکیلات داخلی ستون هم تغییراتی دادند.

برای تشویق و ترغیب صاحبمنصبان و افراد این ستون و بیاس خدمتگذاری و فداکاری آنان، نادرشاه هر يك را بفرخور حال و مقام او باعطاء پاداش مفتخر گردانید. رضا قلی میرزا فرمانده این ستون را بهای نخت (اصفهان) معاودت داده، سر تیب حسینقلی خان، بجای وی به فرماندهی ستون شمال انتخاب فرمود.

۲- تعرض به تنگه خیبر - چون قشون نواقص خود را رفع و از هر حیث همبای تعرض شده بود، لذا

نادرشاه پیش از این معطلی را جایز ندانسته حکم تعرض بالنوی را در جلال آباد ندین ترتیب صادر نمود. ستون اول سوار نظام تحت فرماندهی «بیک افشار» بطرف «باریکاب» حرکت و جناحین راه (جلال آباد - باریکاب) را تا يك فرسنگی تأمین نموده با استفاد از عوارض زمین نسبت به قوای هند و افغان که در کوههای اطراف و در (دککا) استقرار دارند، تولید زحمت و اشکال نمایند.

ضمناً از تعرض این قوا بخط سوق الجیشی مانع شده با تمام وسائل ممکنه از محاربه جدی با قوای
افزون ترهندی اجتناب نمایند. چنانچه احصاراً داخل محاربه شوند از ستون شمال سابق الذکر که در پشت
سر آنها در حرکت است استمداد بطلبیند.

ستون دوم سوار نظام بمسافت نیم فرسنگ به تعاقب ستون اول حرکت نموده و هر آن
حاضر به کمک و تقویت خواهد بود.

فرمانده پیاده نظام عزیمت افواج خود را یک روز بعد از حرکت سوار معین و راه پیمائی
آنها را اداره خواهد نمود.

طرح تعرض به تنگه خیبر در آئیه معین خواهد شد.

روز ۱۱ ماه شعبان (مطابق با ۳۳ نوامبر) بنا بر حکم فوق تمام قوا در سمت مشرق بحرکت

در آمد.

ستونها به تأییدی روزی پنج فرسنگ راه می نمودند و انتظام امور راه پیمائی در طول خط
سیر قوا موجب ظمندان و سایر امور کل بود. قرارگاه کل بین ستونهای سوار و پیاده حرکت
مینمود.

در روز ۱۲ ماه شعبان در میان این ستون اول سوار قره به مهم «باریکاب» را بدون حادثه اشغال
و تمام اردو هم پس از در روز اول محل مزبور رسید.

روز ۱۳ ستونهای سوار در روی خط سوق الجیشی و ستونهای فرعی از جناحین این خط
و از دراهم حرکت در آمدند.

روز ۱۴ ستون سوار نظام را با تمام راحتی باش نموده و قسمتی از سوار بحال پیاده در یک
مکان قرار دادند و بجهت برداشت.

روز ۱۵ ستون سوار هم شروع بحرکت نموده، توپخانه از قسمت مؤخر ستونها بطرف
خدا اولی و در آن کوه چهار هزار نفری که مأمور تهیه و ترتیب منزلگاه بودند
حرکت کردند و در روز ۱۶ این ستونهای سوار نظام قصبه (دککا) را بدون مقاومت اشغال
کردند و در روز ۱۷ قراقره قصبه مذکور گردید.

در روز ۱۸ قراقره (دککا) استراحت نمودند و روز هیجدهم چندین گشتی اکتشافی
پیاده در راه در سمت شرق و اطراف اعزام شدند. روز نوزدهم نتیجه اکتشافات و اطلاعات

گشتیها بعرض نادر شاه رسید و برطبق آن معلوم شد عده معتنی به از قوای دشمن برای حفظ و حراست معبر «خیبر» مأمور است و خود ناصر خان فرمانده قوای مقدم هندم باقوای عمده در حدود «جرود» مراقب تمام خطوط جاده جنوبی است.

در قریه «دککا» نادر شاه شروع بیک رشته تحقیقات کاملی از اوضاع جاده «جرود» پیشاور» نموده و در نتیجه معلوم شد که جاده مذکور هرچه نزدیکتر به تنگه خیبر میشود، بهمان اندازه سخت تر و صعب العبورتر میگردد. بعلاوه در ضمن تحقیقات معلوم شد که از کوه معروف به «سه جونه» هم راه عبوری بطرف «جرود» موجود است که بمرانب مشکلترا از جاده معمولی است و بطریق احاطه از نزدیکی تنگه «خیبر» گذشته بدجرود» میرسد. بمناسبت اشکالات طبیعی این محل قشون هند از حفظ آنجا چشم پوشیده و عجاله در آن محدود عده مستحفظی وجود ندارد. در صورتی که قسمتی از قوا بتواند از این راه سخت عبور نماید، در عقب قوای مقدم دشمن (ناصر خان) سر در خواهد آورد. (۱۹)

نادر شاه پس از تفکر و تامل تصمیم گرفت که از همین حرکت نادر را او جرود بودن طوایف زیاد در همین راه خود را به پشت قوای خصم رساند.

این مطلب را در رده داشته و خیلی مراقب از آن بود که این راه را به آرایش جنگی او پی نبرد. و برای این که بکلی خیال دشمن را از این راه بگرداند، در تمام نقاط دیگر جایی جلب نماید، یکعده عملیات از فوج تقلیه را برای تسطیح جاده معمولی «جرود» اعزام و بکار واداشت. در روز بهمین منوال در تحت نظریات شخصی خود افراد تقایره را با عملیات محلی مشغول بمرمت و اصلاح جاده سوق الجیشی نمود، بطوری در این عملیات «تسلیح» نمود، که برای دشمن یقین حاصل شد که قوای ایران قطعاً از این جاده در راه نادر خواهند بود و بهمین جهت ناصر خان فرمانده قوای مقدم هند و مدافع خیبر در تمام نقاط «تسلیح» نمود. (۲۰)

روز ۲۱ ماه مرتبهات لاریه در این راه نادر غروب نادر شاه افشار بکعبه

[۱۹] — قشونهای مغول و آنکه از این راه نادر را او جرود بودن طوایف زیاد در همین راه خود را به پشت قوای خصم رساند.

— اقتباس از تاریخ ترکستان —

[۲۰] — دو روز قبل هشت عمده توب برای هند «خیبر» از «پیشاور» به اطراف مغرب حرکت نمود.

ولی عملیات دورانی ایرانیان مدافعات خیبر را بر ۲۶ مه ۱۷۶۱ و در این مسیر در وسط راه ماند — از کتاب فضلی بیک —

از قوارا انتخاب نموده بهمراهی خود از راه « سه جوبه » سمت « جرود » نهایت سرعت بسیار شد. شش فوج پیاده نیز برای تعرض به داخله تنگه معین و همان ساعت حرکت نمودند. ده مراد توپ برای کمک در تعقیب آنها حرکت و دوهزار نفر پیاده برای پهلو داری آنها انتخاب شد که آنها با تفنگهای کوتاه و سرنیزه های مرغوب مسلح بودند و مأموریت داشتند و قتیکه افواج پیاده به تنگه « خیبر » حمله ور شوند اینها هم از جناحین به کوههای طرفین هجوم آورند.

[نقشه نمره ۳]

پنج فوج پیاده با دوهزار قدم فاصله در پشت سر افواج مقدم حرکت نمودند. برای اینکه در شب تاریک افراد افواج مقدم با فوجهای خط دوم ارتباط محکمی داشته باشند صاحبمنصبان بسیار جسور و متهور و تجربه دیده انتخاب شدند.

بعد از نصف شب این عده به دهنه معبر رسیده در تعقیب یکدیگر بطور تائی شروع به تعرض مینمایند.

موقعیکه این عده ها از سمت مغرب به معبر فشار میاوردند نادر شاه هم از طرف جنوب شرقی مشغول اجرای حرکت دورانی بود. نادر شاه شخصاً در جلو عده و یگه سواران و پیادگان رشیدش از عقب با کمال عجله در آن ظلمت شب در کوهها حرکت مینمودند و برای طلوع فجر خود را برشته جبال عمده رسانیده نهایت تاب و تحمل را در عبور از آن معابر سخت بخرج دادند و مقارن ظهر نادر شاه با قشون خود وارد خط سوق الجیشی بدشاور - خیبر گشت که در این موقع افواج در دهنه غربی معبر با کمال رشادت به مواضع هندیها تعرض میکردند.

در این موقع فرمانده قوای مقدم هند بتوسط سز از نظام عقب دار خبری دریافت نمود که قوای ایران خط عقب روی را بریده از سمت مشرق به تنگه تعرض میکند. ناصر خان فوری ار مقصود نادر شاه مطلع گشته ولی وقتی این خبر به وی رسیده بود که حاجی بیگ افشار فرمانده پیشقراولان نادر شاه در يك فرسخی محل مشارالیه بود. طوری وحشت و اضطراب در اردوی ناصر خان پید شد که مشارالیه صلاح خود را بر این دید از « جرود » بطرف « سند » عقب بنشیند و بفرزین این مقصود بطور طبیعی بموقع اجرا گذارد شد.

عقب نشینی سریع قوای ناصر خان از بیراهه تمام قوای هند متوقف « خیبر » را در مهلک انداخت. ستون متحرک ایرانیان به قطع راه عقب نشینی و محاصره قوای « خیبر » نزدیک شدند.

و رئیس قوای مقیم تنگه (خیبر) از عقب نشینی ناصر خان بی اطلاع بود و پشت سر و جناح چپ خود را محفوظ میبنداشت و از جبهه با اردوی دوم ایران مشغول زد و خورد بود ولی بعد از نیم ساعت از قضیه مسبوق شده فوج [لاهور] را مأمور مسدود نمودن راههای اطراف نمود. در اینموقع ستون دورانی ایران در مشرق معبر با عقبدار قوای ناصر خان مختصر زد و خوردی نموده و آنهم البته برای قشون چندان نتیجه نداشت و بمغلوبیت هندیها خاتمه یافت و ناصر خان یکعده را سالمأ به پیدشاور رساند ولی قسمت دوم در معبر ماند.

نادر شاه با ستون خود و واضع تخلیه شده را تصرف نموده کلیه انانیه و آذوقه و قورخانه اردوی ناصر خان را بتصرف در آورد.

موقع ظهر نادر شاه یکعده را از سمت مشرق بطرف مغرب به تنگه «خیبر» فرستاد که در این موقع افواج اردوی دوم ایران هم بداخله تنگه رسیده، هندیهای مقیم معبر را کاملاً بقتل رسانیدند بعد از فتح خیبر قشون ایران در دهنه شرقی معبر برای اینکه بقیه قوا از «دککا» برسد چهار روز در «مازگاہ» اقامت نموده و سوار نظام را تا نزدیک شهر پیدشاور اعزام داشت و در ظرف این مدت تمام وسائل نقلیه که از قوای مقدم هند بدست آورده بود بین قسمتهای قشونی تقسیم کرد.

تلفات ایرانیها ۲ نفر سوار، ۲۰ نفر پاسبان بود - از هندیها فریب صد هافر تا این بقتل رسید

مطالعه

علت شکست خوردن قوای مقدم هندیها اولاً بواسطه تفوق کلی قشون ایرانیها، ثانیاً نقشه جدی و مخفی نادر شاه بود که بدون اینکه کسی از خیال معظم آنها مسبوق بشود با کمال سرعت و قطعی انجام گرفت. ثالثاً چون ناصر خان بیش از وقت بعقب نشینی مبادرت نمود و به قسمتهای مقیم تنگه «خیبر» نیز اطلاع نداد، باین جهت تلفات و ضایعات زیادی بقوای هند وارد آمد. رابعاً قوای روحیه هندیها قبلاً خراب شده بود.

عملیات ایرانیها در این مجارده دارای محسنات ذیل بوده :

- ۱- طرح تهاجم و عبور از گردنه های اطراف را از روی دقت و عاقلانه تهیه نموده بودند.
- ۲- از عوارضات طبیعی بخوبی استفاده میکردند.
- ۳- حالات و حرکات دورانی را با سرعت و شجاعت انجام میدادند.
- ۴- تمام افراد و صاحبمنصبان از بخت و شجاعت فرمانده کل قوا مسبوق و مطیع صرف او بودند.

فصل چهارم

عملیات در خاک هندوستان

۱ - شرح وقایع بطور اختصار - « بعد از فتح (خیبر) قشون ایران وارد خاک هندوستان شد. نادر شاه عده قشون را « (در تازگام) عتب گذاشت و خود با ده هزار سوار نظام منتخب چهار روزه به محیط شهر [پیشاور] رسید. « ناصر خان فرمانده قوای نظامی هند با هفت هزار سوار نظام بیرون شهر اردو زده بود و گمان میکرد که قشون ایران بعد از عبور از خیبر، در دربندها مدتی معطل خواهد شد. چون خبر رسیدن قوای سریم نادرشاه را « با سوار زیاد شنید بوحشت افتاد و جمعی از اشخاص که به امداد او جدیداً از [لاهور] آمده بودند متفرق شدند. « عده قلیلی بجز نوکر رکابی با ایشان ماند. ناصر خان فوریت در مغرب شهر، جبهه تشکیل داده با عده قلیل خود « شجاعانه مقاومت کرد ولی بالاخره شکست خوردند و ناصر خان فرمانده قوا اسیر شد. بعضی از افغانه که در سرکوههای اطراف متفرق و منتظر نتیجه جنگ بودند، همینکه غلبه ثانوی نادر شاه افشار را شنیده آمدند و استدعای خدمت نمودند، بعد از این فتح، نادر شاه داخل شهر [پیشاور] شد و آنجا را منصرف کردید. »

۲ - محاربه پیشاور - قوای مقدم هند پس از آنکه معابر شمالی هند را بدست قوای ایران داد در شهر (پیشاور) مجدداً با قوای جدید ورود اردویی تشکیل داده، برای حفظ شهر مزبور مشغول تحکیمات شد که افزاً مدتی جلو قوای ایران را در پیشاور گرفته تا چند فوج جدید از داخله هندوستان به آنها ملحق شود و تأثیرات محاربات خونین اخیر هم قدری از خاطرات افراد محو گردد و در ضمن مراسله به ایلات شمالی هند نوشته و از آنها استدعا خواست در این موقع قوای ایران از (تازگام) روز ۲۷ ماه شروع بتعرض مینماید و در ضمن هیئتی برای قانع نمودن فراریان افغانه که به خاک هند پناه برده و در سر کوهها متحصن شده بودند نزد آنها فرستاد که قراری با آنها بدهد (۱۸) نادرشاه سپاهی از تمام سوار نظام تشکیل

(۱۸) - مامورین ایران با فراریان داخل مذاکره شد و آنها هم چون دیدند از صوبه داران هند امدادی نمیرسد تکالیف نادرشاه را قبول کردند. چهاردنجال بود که از موجب و مرسوم آنها دیناری نرسیده بود. مامورین ایران با حکم نادرشاه مبلغی با آنها نقد داد بعد جمعی از آنها داخل قشون ایران گردیدند و افغانه دیگر که این خبر را شنیدند آنها نیز متابعت کردند - از تاریخ مغول اقتباس شد -

داده با ده عراده توپ سرعت بطرف پيشاور حرکت نمود ولی قوای عمده يکروز بعد از سپاه سوار ب حرکت درآمد.

باين ترتيب سپاه سوار منتخب نادر شاه در ۲۹ ماه شعبان قبل از ظهر خود را به نيم فرسنگي شهر پيشاور رسانيد. ولی بواسطه مسافت طولانی و فوق العاده سريع (از گازگاہ تا پيشاور) قسمت اعظم اسبها از پا درآمد و مجروح شدند و خیلی از آنها هم در بين راه ماندند، توپخانه نیز در عرض راه گير کرده نادر شاه با عده باقی مانده تا محيط شهر رسيدند فوراً حکم تهاجم را صادر نمود بموجب حکم عمومی سپاه سوار به دوازده ستون تقسيم و برای هر يك از آنها راههای تعرضی معين گردید و نادر شاه در خط عمومی خيبر - پيشاور حرکت مینمود.

در هجوم اول قشون هند قدری با فشاری کرد ولی در تهاجم ثانی مواضع خود را تخلیه کرده بطرف شهر فرار کردند.

فرمانده قوای مقدم هند؟ باقرار گاه خود اسیر شد و نادر شاه بلا درنگ اطراف شهر حرکت کرد. همینکه ستونها نزدیک شهر شدند جمعاً از محزونين به اقبال شد تا دروازه های شهر را برای ورود قشون ايران باز نمودند.

نادر شاه اين هيئت را تا کمال مهر با نپذيرفته و بطوریکه سابقاً توسط رسولان خود قول داده بود که بهیچوجه متعرض جان و مال احدی نشود، بهمان عهد وفا نموده اطمینان کامل به آنها داد. ناصر خان فرمانده قوای مقدم هند چند روز محبوس بود بالاخره نادر شاه او را در جزو وزیرای خود معين و سرافراز گردانید.

طالعہ

چون محاربه پيشاور در وضعيات طرفین تغييری نداد لذا چندان اهميت سوق الجیشی نداشت ولی از نقطه نظر روحیه و غنائم جنگی حائز کمال اهميت بوده است. اولاً هندها يك شهر پر ثروت، و حاصلخیز را از دست دادند.

ثانياً مصمم بودند که تا رسيدن قوای عمده از «دهلي» يك محاربه قطعی اقدام نموده جلوتهاجمات ايراندن. ولی نه تنها موفق شدند بلکه قوای مقدم آنها تکلی از بين رفت، يعنی يك قسمت عمده با فرمانده خودشان اسیر، قسمتی ديگر محوشديد و يك عده هم باطراف فراری و متفرق گردیدند.

در این باره پیش از این نیز بحث شده است و در این باره نیز بحث شده است و در این باره نیز بحث شده است.

پیشروی بطرف لاهور - پس از آنکه راههای هندوستان مرکزی

در جهت شمال باز شد، فرماندهی قوای ایران در صدد بر آمد که نزدیکترین راه ورودی هندوستان را از روی رودخانه «سند» دست بیاورد، لیکن مسئله آذوقه و تدارک دواب افکار فرماندهان جزیه را می اندازد مشغول میساخت. چه اگر دهه نالی نادرشاه نخواهد بود محل مستحکم مثل سائق یا شوار نظام هجوم نیاید و همچنین مسافت زیادی را در عرض دو سه روز طی کند قطعاً در اردو آسیب رساند نخواهد ماند. لهذا قبلاً این نکته را پیش بینی کرده در فکر آن بودند که آذوقه دواب را پیش از پیش تهیه نموده در آنچه به اشکالاتی برخورد نمودند. نناء علیه در شهر پیشاور تدارک آذوقه دواب و قشون از هر اقدامی رای نادر شاه افشار مهم و مقدم تر بود و بدینجهت معظم له تمام سعی خود را متوجه این امر ساخت فرمانده قوای مقدم هند، ناصر خان، هر مقدار جنسی که مهیا و حاضر داشت بعد از اسارت تحویل انباردار قشون ایران کرد ولی این مقدار آذوقه برای قشون آذوقه کافی نبود. لهذا مأمورین مخصوصی به ناحیه شمال فرستاده شدند که در هر نقطه جلگه «پنجاب» جنس دست بیاورند فوراً به پیشاور حمل نمایند.

در عرض يك هفته در پیشاور آذوقه يك ماهه قشون تهیه شد ولی حمل تمام این جنسها به همراه اردو بواسطه نقصان وسائل نقلیه مشکل و بلکه غیر ممکن بود. لهذا نادر شاه چنین صلاح دید در خود شهر «پیشاور» يك مرکز عمده جهت ذخیره اجناس تشکیل دهد تا بتوان بعدها آذوقه قشون را از همین محل سهولت حمل نمود و اگر در عملیات پیشروی مساعی پیش آمد کند و بالاچار عقب نشینی اختیار نمایند در این نقطه مهم مواصلاتی آذوقه کافی داشته باشند.

صناً فرمانده کل قوای ایران در نظر گرفت يك مرکز ذخیره و دو انبار قورخانه در قسمت رودخانه «سند» تأسیس نماید زیرا تقدیری در آن صفحات محصول فراوان بود که جمع آوری آن در مرکز چندان اشکالی نداشت و تاساً برای صبط شهرهای هندوستان قورخانه زیادی لازم بود، بالخاصه «لاهور» که در روی خط سوق الحیشی پایتخت هند واقع و خیلی اهمیت داشت، بنا بر این مأمورین و دستجات نقلیه مناسبی برای انجام این امر معین گردید.

الف - موقعیت قوای هند

پس از آنکه قوای مقدم هند ازین رفت؛ درین قوای ایران و هند يك مسافت بز رگی پیدا شد یعنی ایرایبان در شهر پیشاور و هندیها از لاهور تا دهلی در روی خط سوق الجیشی متفرق بودند و رودخانه مهم «سند» هم درین متخاصمین خط فاصل طبیعی بود.

دولت هند قوایی را که در «لاهور» تمرکز داده بود، پیش از هفت هزار نفر بود. هندیها برای حفظ تمرکز قشون زیاد مجبور بودند که اولاً از تمرضات سپاه سوار نظام جلو گیری کنند و ثانیاً حتی الامکان از عبور قشون ایران از رودخانه «سند» ممانعت نمایند. ذکریا خان فرمانده قوای مقیم (لاهور) برای این مقصود ارقوای موجوده خود دو ستون کوچک تشکیل داد. یکی مرکب از هزار نفر پیاده و دو عراده توپ در آخر ماه دسامبر بمخت (انک - کلرود) اعزام و مأمور شد که در صورت عبور قوای ایران از آنها جلو گیری نماید.

دیگری مرکب بود از پانصد نفر سوار و پنج عراده توپ در ساحل شرقی رودخانه «سند» در نزدیکی «ماردان» توقف نماید و از عبور قشون ایران از رودخانه سند ممانعت بعمل آورده با دستجاتیکه از ایالت «پنجاب» خواهند آمد تقویت یافته متحداً نگذارند قوای ایران از آن راه داخل خود هند گردد.

ذکریا خان فرمانده قوای لاهور بطوری که لازم بود شهر را مستحکم کرده و شخصاً در بیرون شهر سنگر بسته و اطهارا اشتیاق بدفع دشمن مینمود.

قوای سوم هند در «شاه جهان آباد» استقرار داشت و عمده قوا هم ناره از پایتخت بطرف صحرائی «کرنال» حرکت کرده بود.

ب - عبور از روی رودخانه «سند»

موقعیکه قوای ایران در پیشاور مشغول استراحت بود، نادر شاه توسط سوار نظام اراضی بین رود سند و پیشاور را اشغال و تا معبر رودخانه دستجات مخصوصی روانه کرده در طرف غربی آن نقاط مهم را قبلاً صط و قرارولهای ریادی استقرار داده بود.

روز ۲۵ نوام قشون ایران با دو ستون بزرگ از «پیشاور» حرکت نمود ولی دو مانع مهم رای قوا در پیش بود. یکی عبور از رودخانه سند و دیگری وجود قلعه «انک» که در ساحل شرقی

بسیار طبیعی تشکیل می نمود که عبور از آن مس مشکل بود.

در حدود ۱۰۰۰ سال پیش خروج از دره های شمالی پنجاب داخل جلگه جنوبی ولایت پنجاب
سیر آن آب از این قسمت بسیار سریع میگردد. خط سیر آن اغلب در اراضی رُس و شن روان
پیش می رود در خط سیر سوق الجیشی (پشاور - لاهور) در بعضی نقاط به دو هزار متر بالغ میگردد
و هر حقیقت برای عبور فئون مانع بزرگی محسوب و طبعاً يك خط مدافعه مستحکم را تشکیل
میدهد. بهمین ملاحظه از قدیم الایام در حدود معبر خط سوق الجیشی قلعه محکمی برپا
قطعه سنگی بزرگ در ساحل شرقی رودخانه ساخته شده که از چهار طرف محصور بدیوار و شیب
عمیق است و در چهار ضلع قلعه چهار برج ساخته شده است.

قلعه «اتک» اهمیتش از این رو است که در فراز کوه سختی ساخته شده و مشرف بتمام خطوط
آن محل میباشد و حرکت طرف آن بملاحظه سرایشی فوق العاده کوه، خیلی سخت و در مو
محاصره آب مقاومتش طولانی خواهد بود. ولی عده زیادی میتوان در آنجا استقرار داد و همچنان
ظرفیت آب انبار هائی که ساخته شده است برای محاصره طولانی کفایت میکند
روز ۲۶ ماه هر دو ستون بساحل عربی رسیدند.

دستجات اکتشافیون مأمور سواحل رود حانه اطلاع دادند که در آن طرف ساحل در دو
نقطه قوای هند استقرار دارند. یکی در قلعه «اتک» دیگری در حدود «ماره ان».
چون مقصود نادر شاه عبور از رودخانه در حدود نقطه اولی بود، لهذا در مقابل نقطه شمالی
عده از سوار نظام را بهمراهی چهار عراده توپ برای تپاش فرستاده، عده قوا را در مقابل «اتک»
مجمع ساخت.

نادر شاه قبل از شروع به مبارز دمان قلعه یکنفر را بجانب قلعه روانه داشت که ساخلو اعلا
نماید اگر آنها بدون مقاومت آرسنگر های قلعه خارج شوند همان معامله که نالاد و عشایر افغانستا
شده است با آنها نیز عمل خواهد آمد فرمانده قلعه که اردور اردوی ایران را میدید،
جواب اظهار اطاعت نموده حتی برای ساختن پل هم همه قسم اظهار مساعدت نمود.
قوای ایران بتدریج در ساحل عربی رود سند جمع شدند. نادر شاه در شمال قلعه برای قش

از رود گائی تهیه نموده مشغول تدارک لوازمات پل شد. در نتیجه تحقیقات از اهالی محل معلوم گردید که دره «کابل رود» جنگلهائی وجود دارد که اشجار آنها بمصرف اینکار میخورند و ولی تحمل اشجار به این نقطه مشکل خواهد بود. عجالتاً بهترین مصالح برای کشیدن پل همان قایقهای محلی است که اهالی جلگه سند آنها را [جبری] مینامند و وسیله ایاب و ذهاب سکنه اطراف رودخانه محسوب میشود. لذا قرار بر این شد که با همین قایقها در نقطه «کابل دره» که در آنجا عرض رود با اندازه تنگ تر و سنگلاخ است پل برپا نمایند.

قبل از شروع عملیات از قایقهای رود سند یکدسته پل ساز تشکیل شد که عده کارگران و حفاران نیز جزء آن گردیدند.

همین که دستجات شروع بکار نمودند يك اشكال بسیار مهمی پیش آمد که انجام کار را بعهدہ تعویق انداخت و آن این بود که برای بستن قایقها بیکدیگر در نقلیه قشون بحد مکفی طناب وجود نداشت و چیز دیگری که بتوان بجای طناب استعمال کرد موجود بود لهذا مصمم شدند از اینکار صرف نظر کنند و قشون را با قایقهای موجوده به آن سمت [ساحل شرقی] برسانند. ولی حمل یکصد هزار نفر قشون با عراده ها و قورخانه و کلیه لوازمات جنگی و غیره... بسیار کار مشکلی بود و تقریباً یازده روز وقت لازم داشت عموم صاحبانصان ب فکر علاج برآمدند و عاقبت خود نادرشاه چاره کار را پیدا کرد [۱۹] یعنی حکم داد از ننگهای دواب استفاده نمایند و همچنین پال و ده تمام اسبها را بریده طناب درست کنند، این حکم بلادرنگ موقع اجرا گذاشته شد و باسرع وقت يك مقدار معتناهی طناب که بمراتب محکمتر از طناب پنبه بود تهیه گردید.

فردای آن روز پل بطول هزار قدم در روی رود سند کشیده شده بود.

روز ۲۹ ماه نوامبر ۱۷۳۸ افواج بدون اینکه از ساحل شرقی ناموائعی صادف شوند،

شروع به عبور نمودند.

برای اول دسامبر عموم قوا از ساحل غربی ساحل شرقی حمل گردید ولی عبور بنه ها و

قافله های عقب چند روز تعویق افتاد.

چون در طرف مقابل ساحل اردشمن کسی نبود لهذا عملیات عبوری بدون مایع انجام گرفت.

فرمانده قوای اهور مطمئن بود که قوای مقیم «اتک» قطعاً از هوای اران جلوگیری خواهند نمود

اتك راه لاهور برای ایرانیان باز شد (۱۲۰)

روز ۲ ماه دسامبر ۱۷۳۸ میلادی قوای ایران در این شهر
 با فوستان شروع ب حرکت نمود.
 نادر شاه بدون فوت وقت سپاه سوار نظام را به
 بایک مقدمه الجیش قوی سمت شهر «لاهور» حرکت
 داد که راجع بچگونگی قوا و محل اردوهای خصم اطلاعات جامعی
 دهد و همچنین در خصوص جاده های ایالت «پنجاب» و کنار های رود خانپائیکه به رود ستل
 ملحق میشوند تحقیقات کاملی بنماید.
 در آن روز استعداد کل قوا لیش از هر فرسخ راه نه پیموده ، موقع ظهر در کنار «گیرک»
 اردو زد. ولی سپاه سوار آن روز تاغروب راه پیمائی کرده در طرفین خط سوق الجیشی همه کوه
 اکتشافات و تحقیقات بعمل آورده شب را در بیابان سر بردند.
 روز ۲ ماه چون از سپاه سوار اردو نرسید لهذا استعداد کل در اردو گاه «گیرک» مانند
 روز ۱۸ ماه استعداد کل پس از پنج فرسنگ عملیات پیشروی در طرفین خط عمومی اردوگاه
 تشکیل داده دو روز استراحت نمود

(۲۰) - اوضاع هندوستان ، وصول خبر عبور قوای ایران از رود عظیم «سند» وحشت و اضطراب
 بزرگی در شهر «دهلی» ایجاد نمود، از استماع این خبر محمد شاه پادشاه هندوستان فوراً هیئت مشاوره از امرای و
 بزرگان و سران سپاه دولت تشکیل و عقده این هشت را این شد که ورود قشون ایران به این طرف رود
 «سند» رای ولایت «پنجاب» خطر عظیمی خواهد داشت و اگر این ایالت به تصرف دشمن در آید مملکت
 هندوستان قطعاً از دست میرود با را این باید فوراً و بدون فوت وقت رای جلوگیری از این واقعه قشون معطن
 تهیه و تعبیر نمود ولی اوصاف سواحل جنوبی هندوستان بواسطه مسلط شدن اروپائی ها قریب انقلاب بود ، اغلب
 فرماهرمای ولایات ساحلی مست به دولت مرکزی اظهار محالمت نموده به مالیات مرکزی پرداخته و به سرانرای جنگ
 میفرستادند . گذشته از این معطلی بر این گوه مسائل را شدت میداد . با اینکه تهیه قشون در هر نقطه هندوستان آن
 سابق کرارا مطرح مذاکره شده بود معیناً با وضعیت هرج و مرج دربار دهلی در صدد اقدام رسمی آمد
 هجوم قوای معطم ایران از طرف شمال غرب تمام هندوستان را به محط انداخته ، جمع آوری هوا به هیچ قسم
 صورت نگرفت

در رای تنه شورای دولتی قرار شد مجدداً به تمام حکام ولایات حکمی صادر شود که هندوستان از هر جهت
 خطر است لذا با تمام قوای خود رای حفظ مملکت حاضر شوند
 از تاریخ ژانوال کشمیش اوف اقتباس گردید - مؤلف

روز ۵ ماه بعد از ظهر اخیاری از سپاه سوار رسید و از راپورتی که برای فرمانده کل قوای ایران فرستاده بودند معلوم شد جاده های طرف شرقی پنجاب عموماً قابل عبور و مرور و هیچ مانعی برای حرکت ستونهای استعداد کل نیست ضمناً رودهای عمده هم عموماً دارای گذار و قابل عبور میباشند فقط در روی رودخانه «جناب» و «راوی» باید پل کشیده شود - اما راجع بقوای دشمن آنچه تحقیق شده حاکی از آنست که يك عده قشون هند در قلعه خرابه «کاخه» که در کنار رودخانه «جلام» است استقرار دارد ولی تعداد آن بطور صحیح معلوم نیست.

فرمانده کل قوای ایران پس از اطلاع از وضعیات اراضی پنجاب و قوای مقدم لاهور استعداد کل قوای را به سه ستون که جذاین و مرکز باشد حرکت داد و یستهای سیاری در بین سپاه سوار و ستونهای مذکور قرار داد که همیشه استعداد کل یا سپاه سوار نظام جلو ارتساط داشته باشد.

ادین ترتیب عمایات پیشروی قوای ایران در بین «سند - لاهور» تا رودخانه «جلام» بدون حادثه انجام گرفت و روز ۱۶ دسامبر پیشقراولان سپاه سوار نظام به شمال غربی رودخانه «جلام» رسیدند.

ج - موقعیت قوای لاهور

در موقعیکه قوای ایران بطرف لاهور پیشرفت مینمود، دکر باخان قوای خود را محمداً به دو قسمت منقسم ساخته از شهر لاهور حرکت نمود و راپورت دیل را هم به پایتخت فرستاد. «نادر شاه» با سپاه عظیم به این محل رسیده مشغول عبور از رودخانه های پنجاب می باشد و تمام زمین دارها به او ملحق شدند و من با قوای قلیلی که دارم حاضرم انک بکنم، شما باید در فرستادن مددخیلی تمجیل کنید والا چاره از دست میرود»
فرمانده قوای لاهور ذکر یا

دکر باخان با ده هزار نفر بطرف رودخانه «جلام» حرکت نموده، قلندر خان را هم بطرف «آباد» اعزام داشت، و در خود لاهور هم پنجاه هزار نفر ماندند که بعد ها اریشت سر فرستاد مقصود دریا حان این بوده است که در رودخانه های پنجاب حتی المقدور از تهاجمات ایرانیان جلوگیری نماید تدریجاً تار عقب سر قوا باو برسد، لهذا برای این مقصود در طرف راست قوای

قلعه خان در طرف چپ قوای خود فکریا خان سواحل و گذار های رودخانه «جلام» راوی و «گمک» را محافظت مینمودند.

ولی قوای آنها طوری در بین رودخانه ها تقسیم شده بود که هرگز نمیتوانستند در موقع لزوم یکدیگر برسند.

خلاصه آرایش جنگی آنها برای قوای ایران هیچ مانعی پیش نمی آورد؛ با وجود اینکه در حدود گذارها قلاع مخصوص هم وجود داشت که ممکن بود از آنها کاملاً استفاده نمایند.

قلعه «کاخه سر» در سر راه سوق الجیشی بالنسبه مهم بود و بر حسب ظاهر مستحکم بنظر می آمد.

د- عبور از رودخانه جلام و محاربه لاهور

روز ۱۷ دسامبر قوای ایران در ساحل راست رودخانه جلام برای تعرض حاضر شدند و در ساحل رودخانه مذکور «چین» ای بطول یک فرسنگ تشکیل دادند.

قلعه کاخه سر از طرف هندیها مستحکم شده بود، گذار عمومی رودخانه جلام هم خیلی نزدیک بقلعه کاخه سر و تحت تأثیر آتش ترپنار، دهن و اتمند بود؛ در این موقع اهالی محل گذار دیگری را در یک فرسنگی بالا دست قلع، کاخه سر به ایرانیان نشان دادند که مانعی برای عبور قشون نداشت و در آن محاربه ای هندی هم اثری نبود.

نادر شاه برای فریب هندیها در ظاهر چین جلوه داد که میخواهد از هن گذار نزدیکی قلعه عبور نماید ولی شباه قوای خود را بر خلاف جریان رود حرکت داده از صدر بالا دست قلعه بدون زحمت عبور نمود. در این موقع توپچیها برای اغفال، در سمت جنوب قلعه را مورد شلیک قرار داده نظر هندیها را بطرف خود جلب مینمودند.

قوای دوم پس از عبور از اس گذار، از تلال شمال طرف قلعه شروع تعرض نمودند و در آنجا معلوم شد که سبای قلعه چندان استحکامی ندارد زیرا حصار اطراف آن از الوار چوبی ساخته شده و فقط رزی چوبها را گل اندود نموده اند. مخصوصاً در موقع تعرض حمیت این امر کاملاً مکشوف شد و همه «جاری» اس را به سرد و خورد آبخارا خامه نمودند و قلعه بتصرف قوای ایران درآمد.

پس از تصرف قلعه «کاخه سر» و اطراف آن یک فوج از سباه سوار طرف رودخانه «لاری»

اعزام شد، بعد از پنج ساعت اکتشافات عمیق، از فوج مزبور راپرتی بمضمون ذیل بقرارگاه کل فرماندهی رسید: (« حکام و صوبه داران پنجاب قریب پنجاه هزار نفر سوار را، که بنا بود بشهر لاهور حرکت بدهند، بعد از عبور قوای ایران از جلام، از جاده عمومی منحرف نموده و در سمت شرقی حرکت میدهند و هیچ جای شک نیست که قصد آنها بر این است که تحت ارتباط اردو را از پشت سر قطع نمایند »

فرمانده بیشتازان اول حسینقلی (۱)

بوصول این راپورت نادرشاه فرماندهی سپاه سوار نظام را شخصاً بعهده گرفته و بسرعت بطرف محل مذکور در راپرت حرکت نمود.

در این موقع افواج سوار با دستجات هندی مصادف شده و مشغول محاربه بودند که نادر شاه غفلتاً به کمک آنها رسید. بالائفاق سرعت به آن محل هجوم آوردند و در نتیجه این تهاجم شدید ناگهانی افراد غیر نظامی هند بدون مقاومت رو بهزیمت گذاشتند و سواران خاصه نادرشاه آنها را تعقیب و تارومار نمودند به این ترتیب از ورود قوای جدید به شهر (لاهور) جلوگیری شد. نادرشاه پس از مصادمه سریع، سپاه سوار نظام را مجدداً بطرف قلعه « کاخه سر » مراجعت داد و روز بعد بک. عده ملکی را بعنوان ساخنو در حدود قلعه « کاخه سر » گذاشت که معابر و خط رجعت عموم قوای در آن سمت حفظ نمایند. چون ممکن بود قوای متهمزم هندیها از اطراف جمع شده مجدداً بخط سوق الجیشی عمومی هند و ایران حمله کنند، پس از اتخاذ این اقدامات همین روز موقع ظهر، قوای بخان ستونی بطرف « چناب » رهسپار گردید.

روز ۱۹ دسامبر سر ستونها به جلگه « یمین آباد » رسیدند.

در این موقع قوای « قائد رحان » در شمال غربی « یمین آباد » خود آرائی نموده برای حفظ گذرها در ساحل پسر رودخانه عده های قراول و مستحفظ مخصوص مأمور نموده بودند که از توجهات امر بین خبردار باشند.



در این قبیل از آنکه بخ. ض. و دخانه « چناب » برسد تا زمیانه معوار را در يك محوطه

وسیعی برای اکتشاف خوضه مذکور بجز فرستاده بودند. اکتشافیون سپاه مرزبور تا غروب روز نوزدهم ماه مشغول تجسس اطراف بودند. بالاخره در نتیجه اکتشافات دقیق عموم دستجات معلوم گردید که عده قلندر خان در دو نقطه ساحل چپ رود خانه « چناب » مشغول اتخاذ موضع توپخانه میباشند.

روز ۲۰ ماه پس از حاصل کردن این اطلاعات، نادرشاه از دست بالای یمین آباد با يك عده مختصر بگدار زد و چون این محل خالی از خصم بود بلامانع عبور و ساحل چپ رودخانه را در آن حدود بتصرف در آورد زلی آن روز در همان نقطه توقف نموده روز بعد از گدار جنوبی استعداد کل قوای برای عبور از رودخانه « چناب » تأیید نمود. در همان شب عموم قوا مشغول استقرار توپخانه در ساحل راست رودخانه بودند.

روز بعد از آنکه این دست تمام جاه استعداد کامل از روی هندوها شروع به بمباران نمود و دستجات شاهی این بین در روز نهم از گدار بلادست عبور نموده و در آن نقطه متوقف بودند بنوبه خود شروع به معرض آمده بطرف جنوب پیتن میرفتند و دستجات سیار قلندر خان را بعقب میراندند.

نادرشاه بواسطه تکرار این اکتشافی خوبی مراتب رجاسوسهای خود، مضلم شده بود که امروز عذیب حیوانند سر را آفرای کئی حاضر رود در مقابل آنها مقاومت شدید بنمایند و قوایی که در نزدیکی رودخانه در آنجا بودند را از آنجا براندازند و از روی فکر کار میگرد و برای جانب استمداد کل از آن در آنجا چندین جابه داشت. فقط يك عده دو هزار نفری از استعداد کل در آنجا قرار داشتی از آن در آنجا نبود نموده و با دستجات اولی مأمور تعقیب قوای قلندر خان گردید.

امیر خان که یکی از اشیخ نادر خان و حالیه در خدمت نادر شاه بود با جمعیت خود و سه قوچ از وارانگاه ایران شهاب، قریبه « یمین آباد » حمله برد. در ضمن مصادمه قلندر خان کشته شد و امیر خان قریبه را تصرف گردید.

روز بعد صبح زود بهیبه سناء سوار بنفوریت خود را به قریبه « یمین آباد » رساند که آنجا را بطور محکم نگاهدارد.

پس امیران ازین معلومیت دستجات متفرقه هند بطرف قوه ای ذکر با خان عقب نشینی کرده پس دستجات امیران از آن قوچ از سپاه سوار بطرف رودخانه « لاری »

و در حدود رودخانه «راوی» به او ملحق شدند.

روز ۲۲ ماه سپاه سوار نظام ایران با عده امیرخان مأمور شدند که بطرف رودخانه «راوی» بطور تائی حرکت نمایند.

استعداد کل امروز به یمن آباد رسیده در آن محدود اردوگاه بزرگی تشکیل و قراولهای زیادی در اطراف اردوگاه استقرار داد.

موقع غروب راپورت‌های متعددی از عده امیرخان و حاجی خان بیک به قرارگاه کل رسید، تمام اطلاعات واصله مسعر براین بود که دشمن قوای معظمی در این محل تمرکز داده و کلیه مواضع مقدم خود را مستحکم نموده است.

نادرشاه از مشاهده این راپورت را خیلی متعجب و حیرت‌انگیز خوانید که ممکن است کلیه قوای هند در حدود «راوی» و «امیرخان» در اطراف این جاسوسان این خیال بکنی برخلاف اورد راپورت جاسوسان قرارگاه کل قوای هند را در خود، بنیخت (دهلی) نشان میدادند سایر این نادرشاه دلی متفکر بود که در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً بهت فوج در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً دست برد.

حاجی خان در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً دست برد. حاجی خان در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً دست برد. حاجی خان در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً دست برد. حاجی خان در این راپورت‌ها چه چیز است انخاذ نماید بهمین لحاظ مجدداً دست برد.

روز بعد راپورت دیگری از مأمورین اکتشاف به قرارگاه عمومی رسید و حاکی از این بود که ذکریا خان فرمانده قوای لاهور یکعده دو هزار نفری بعنوان پیش قراول فرستاده و در ساحل جیب رودخانه «راوی» مشغول حراست گذار عمده سوق الجیشی میباشند و ضمناً در آنجا استحکاماتی هم بنا نموده‌اند. که به توب است. خود ذکریا خان در بین لاهور و راوی قرار دارد.

وصول این راپورت باعث شد که نادرشاه در موقع حرکت بدانصوب احتیاط را از دست ندهد زیرا اولاً ذکر باخان به اتکاء در دست داشتن گذار عمده سوق الجیشی میتوانست از هر نقطه بالادست این محل مستحکم سوار نظام خود را به آب زده به عقب سر و جناح استعداد کل هجوم کند. ثانیاً چون در راپرتهای راجع به عموم قوای هند و محمد شاه چیزی قید شده بود لهذا تردید داشت که آیا قوای هند در لاهور تاچه اندازه تقویت شده است...

هـ - محاربه لاهور - چنانکه ملاحظه نمودیم در طول يك ماه فرمانده کل

قوای ایران در صحنه « پنجاب » بواسطه زیادی رز و خاکها که هر یکی از آنها يك مانع طبیعی و مستحکم بود هنوز نتیجه قطعی را بدست نیارده و اگر چند در مسامحت « جلام » و « چناب » فاتح بودند ولی قشون هند هنوز در میدان محاربه وسیعی مصاف نداده بود نه وضعت کاملاً روشن شود لهذا ممکن بود در « لاهور » و نامداز لاهور عموم قوای خود را تمرکز در يك محاربه مهمی را قبول نمایند. در این موقع نادرشاه بحیال افتاء که نتیجه قطعی را در حدود « لاهور » بدست آورد لهذا قوای خود را جداً مرتب نموده از روی نقشه مخصوص بطرف لاهور شروع بتعرض نمود.

نادرشاه در حوضه رودخانه « راوی » سه دسته قشون را که هر يك دارای ده قوج بودند برای حمله ارابید قرار داده بود و بعد از اینکه این سه دسته شروع بحمله نمودند سیاه سوار نظام اولاً از طرف شین « در برابر طرف « لاهور » رانده و بعد از سمت چپ « شین » از طرف جنوب (لاهور) راه فرار آنها را بسته نابودشان نماید.

روز ۲۸ ماه جماد قوا در ساحل « راوی » صف آرائی نموده مشغول نمایش بودند، برای اغفال دشمن فرمانده توپخانه در نقاط انتخاب شده مشغول بعضی نمایشات نظامی شد مثل اینکه قوا میخواهد به استحکامات ساحل چپ رودخانه تعرض نماید. همینکه دشمن از این حیث مطمئن شد نادرشاه در خفیه عده از سواران را بر خلاف جریان رود حرکت داد که محل مناسبی را برای انداختن پل تجسس نمایند اما خود او برای سرگرم کردن هندیها تا غروب آن روز مشغول تیراندازی بیهوده و حرکت دادن ستونها از يك نقطه به نقطه دیگر بود. اوایل شب موقعی که ظلمت افق را فرا گرفت نادرشاه قوای مرکزی را در برابر خصم گذاشته با سایر پیادگان بطرف نقطه که برای کشیدن پل بسا که ده بودند حرکت نمود و همینکه به نقطه مزبور رسید ملتفت شد که کشیدن پل ثابت

اعت معطلی خواهد بود لهذا امر داد يك پل موقتي كشيدند. پس از كشیدن پل اول فرمانده سپاه سوار حاجی خان بيك با مستجابات خود از روی آن عبور کرد سپس نادرشاه با يك فوج پیاده و مدفنر از عده كشيك خانه از پل گذشت و يك قسمت سوار هائی كه ميتوانستند از قوی آب عبور نمایند به آب زدند.

بعد از اينكه سپاه سوار و فوج پیاده و عده فرازگاہ كل بساحل چپ رود خانه رسیده و جمع شدند مطابق نقشه پيش سپاه سوار شروع به تعرض کرد و فوج پیاده هم با عده كشيك خانه بطرف قلعه تعرض نمود.

صبح زود سپاه سوار خود را بخط سوق الجیشي لاهور رسانده بلادرنگ شروع بشهاجم مينمايد و فوج پیاده هم قبل از طلوع آفتاب قلعه را محاصره نمود، جمعی از قلعه گيان كه قبل آنجا را تخلیه نموده بودند در بين راه به عده كشيك خانه مصادف و بقتل رسیدند.

فوج پیاده بزودی قلعه را بتصرف در آورد و در عراده توپ با دويست نفر سرباز اسیر کرد. سپاه سوار از طرف شمال پشت سر قوای مفیم ساحل رود خانه « راوی » را تهدید نموده نمیگذاشت كه هندیها بطرف لاهور عقب بنشینند در این بین از طرف لاهور قریب دو فوج پیاده خواست كه هندیها بیاید ولی سپاه سوار مانع شده آنها را مجبور بعقب نشینی کرد.

قوای مقدم هندیها پس از دو ساعت مقاومت شدید تسلیم شدند، در این موقع نادرشاه بمیدان محاربه رسیده بدون فوت وقت سواران و پیادگان را بطرف لاهور حرکت میدهد. مقصود معظام آلیه این بود كه غفلتاً در حدود لاهور با اصل قوای عمده ذكربا خان تلاقی نموده ضربت ناگهانی به آنها وارد آورد، در این روز نادرشاه هر فوجی را كه از آن طرف رودخانه میرسید بفوریت در روی خط عمومی (لاهور - راوی) حرکت میداد و شب قرار گاه كل هم حرکت کرد. فردای آن روز عموم قوا به يك فرسخي شهر لاهور رسیده با يك جبهه متناسبی بطرف شهر تعرض میگردند. حوالی ظهر قوای ابران (سواران در جلو و در جناحین و پیاده نظام در وسط) بحدود باغات شهر لاهور رسید و خود نادرشاه در باغ « شعله ماه » كه از بناهای معروف شاه جهان بود منزل کرده بفوریت حکم صادر نمود كه عده های پیاده با آرایش جنگی در محل های حالیه توقف نمایند و سپاه سوار بفوریت از جنوب شهر دور زده راه دهلی را بروی شهر مستعد نماید.

سمت جنوب شرقی مسدود گشت .

در ایتاموقع از طرف قرارگاه گل قشون تحقیقاتی بعمل آمد که در لاهور فقط قوای ذکریا خان وجود دارد ، پادشاه هند و قوای آن هنوز از صحرائی « کرنال » به آنجا نرسیده اند . پس از این خبر پادشاه مسرور شده سپاه سوار را با پنج فوج پیاده از راه جنوب شهر تقویت داده و هجوم بطرف شهر را هم برای روز بعد موکول کرد .

شهر لاهور در يك زمین صاف و هموار واقع شده است ، ابتدای شهر از پشت باغات شروع میشود ، حصار آجری بطول تقریبی يك فرسنگ و نیم از چهار طرف شهر را احاطه نموده است . حصار مزبور دارای برجهای متعددی است که بنام گذار های رود خانه لاهور مشرف میباشد . ارك در سمت شمال غربی در کنار جاده عمومی واقع شده و فاصله شهر تا رود خانه تقریباً يك میدان است .

شهر لاهور در سمت شمال غربی هندوستان مرکز عمده تجارت بوده و صنعت در آنجا رواج کامل . در محصورات عمده این محل برنج و گندم و نیل و میوه جات است . گرچه در این ایالت جنگل وجود ندارد ولی مراتع سبز و خرم است و بهمین جهت اهالی احشام و اغنام زیادی تربیت آنرا در این ایالت . آب و هواي شهر لاهور از سایر نقاط مرکزی هندوستان بهتر و فصول چهارگانه آن معتدل محسوب میشود . چنین شهری اگر بدست قوای ایران بیفتد برای آتیه چندان خطری نمیتواند داشته باشد . در عملیات پیشروی مانعی پیش آید ممکن است قشون را در حدود این شهر نگه دست ولی وقتی این خیال انجام پذیر بود که قلعه لاهور بتصرف درآمده باشد اما از طرفی هم تصرف قلعه لاهور بواسطه استحکامات و رود خانه بدون جنگ سخت و خون ریزی و آزار آکن پذیر نبود .

در حين اینکه پادشاه مشغول طرح و نقشه عملیات آتیه بود از طرف فرمانده ساخلو شهر لاهور ذکریا خان ، نماینده ای بقرارگاه گل وارد شد و کاغذ ذکریا خان را که استدعای مهلت و متارکه جنگ مینمود به پادشاه تقدیم کرد .

پادشاه اضاع را برای متارکه مناسب ندیده رسول ذکریا خان را بلا جواب پس فرستاد

همان روز نادرشاه برای بازدید خط محاصره با قرارگاه کل بطرف حصار شهر حرکت کرد. در سمت شمال نزدیک بساحل رودخانه محلی را برای توپخانه انتخاب نمود که تمام شهر را از آن نقطه میشد بمباردمان نمود.

روز بعد در شمال غربی شهر یکعده جمعیت بایر قهای سفید بحضور نادرشاه آمده داخل مذاکره دند و در نتیجه مذاکرات قرار بر این شد که اگر نافردا مستحفظین قلعه تسلیم نشوند شهر با خاک یکسان خواهد شد.

این اخطار نادرشاه اسباب وحشت اهالی و مستحفظین قلعه شد و تمام صحبت آنها در اطراف فتوحات قشون ایران بود و دفاع را در مقابل قوای زیاد بی تمرین میدانستند ولی صاحب منصبان به آنها امیدواری میدادند که امروز نافردا قوای در تحت فرماندهی پادشاه همد را به کمک آنها خواهد رسید و محاصره را مرتفع کرده آنها را نجات خواهند داد.

آنروز به این اضطراب گذشت روز بعد باز بمباردمان شروع شد.

فرمانده قلعه لاهور از تلاش و اضطراب اهالی نگران، بی مشغول انجام وظیفه خود بشود در این موقع نماینده های اهالی نزد مشارالیه آمده درخواست تسلیم شدن نمودند.

فرمانده قلعه وقتیکه اوضاع قوای روحیه اهالی را در این حال دید بکلی مأیوس شد و از آنها تا ظهر مهلت خواست که مطالب آنها را انجام دهد.

خود ذکریا خان هم بخوبی میدانست که با قوای ایران نمیتواند با این روحیه قشون و اهالی مقابله نماید لذا موقع ظهر به نمایندگان شهر خبر داد که از امشب تا شنبه آنها اصرار است.

بعد از ظهر روز ۲۵ ماه دسامبر هندوها دروازه های قلعه را بزرگی محاصرتن باز نمودند و لیکن بیگانه شهر با جمعی از محرمین محل آزم قرارگاه کل ایران شدند. عصری در باغ شعله ماه بحضور فرمانده کل قوا رسیده و کلید شهر را تقدیم داشتند (۲۱)

بعد از مذاکرات ده فوج پیاده مأمور شد که از دروازه شمال غربی داخل شهر شده قراولخانه های دولتی را تصاحب نمایند و پنج فوج سوار نیز مأمور شد از دروازه جنوب شرقی

(۲۱) - نادرشاه بعد از اینکه کلید شهر را دریافت کرد، ذکریا خان را با کمال عطوفت پذیرفته حکومت شهر لاهور را کماکان بشارالیه واگذار نمود صنایع اسب مساز با زن و برک نفیس و او عطا فرموده ولی قرار شد اهالی شهر و نواحی اطراف یک کرویر تومان بتوانند خنک بخزانة اردو تحویل نمایند.
از کتاب زنگار کیشمیش اوف

وارد شهر شده ساخلوی قلعه را خلع سلاح نماید. ولی توپخانه و بقیه افواج پیاده و نقلیه در خطوط محاصره ماندند که فردا بر طبق حکم جدید رفتار نمایند.

موقع غروب تمام قراولخانه های شهر از طرف افواج ایران اشغال شده و ساخلوی قلعه هم کاملاً اسلحه خودشان را در میدان ارك دولتی به فرمانده سپاه سوار ایران تسلیم کردند. شب سکوت عمیقی در شهر حکمفرما بود.

روز بعد نادر شاه قرارگاه کل را به شهر انتقال داده و با تشریفات کامل داخل شهر شدند (۲۲) و فوریت قسمت محله شرقی را که سپاه سوار اشغال کرده بود به افواج پیاده واگذار کرده و سپاه سوار را بطرف مشرق حرکت داد که از آن طرف راه پایتخت هند را در دست داشته باشند. بعد از تصرف قلعه لاهور مجدداً در بین قوای ایران و هندوستان فاصله زیادی حاصل شد، در واقع طرفین تماس را از دست داده بودند.

حالا میتوان تصور نمود که هندیها در شمال صحرائی (کرنال) و ایرانیان در حدود لاهور متوقف و به تشکیلات و تجهیزات و جمع آوری قوا مشغول میباشند.

مسئله تأمین از شرق و از شمال غرب بسیار مهم بود برای این منظور سپاه سوار نادر فرسخی «کل رود» جلوتر حرکت نمود که در بین قوای هند و استعداد کل حائل شده و تأمین قوای مقیم لاهور عهده دار شوند. و برای اینکه خطوط عقبی قوا بیش از پیش در تحت تأمین درآید ناصر خان بیکری یکی سابق شهر کابل و پیشاور به سمت قلعه بیکی (انک) منصوب گردید و حفظ و حراست خط ارتباط با داخله مملکت و قشون بعهده مشارالیه و گذار و یک عده هم برای اینکار به اختیار ناصر خان گذاشته شد. در اطراف لاهور نیز ترتیبات دفاعی بعمل آمد و به بلوکات هم حکام اعزام گردید که آذوقه لازمه را قبل از شروع به تعرض جمع آوری نمایند.

تشکیلات تفایه قدری توسعه یافت و بادو هزار شتر، نقلیه بنه بزرگی تشکیل داده شد که آذوقه یکماهه قشون را در پشت اردو بطور احتیاط از وسط صحرائی «کرنال» بمرور بجهت برسانند. اقدام اخیر چنانچه بعداً منسوخ خواهد شد فوق العاده مفید واقع گردید و حتی به اسرای هندی هم از همین بنه آذوقه داده شد.

(۲۲) - اعلان و تعاز و منافذین لاهور بحضور ایشان مشرف شدند. فخرالدین خان حاکم سابق ایالت مهم

کشمیر، هندی بود بواسطه خدمت اهالی آنجا به لاهور آمده اندظار قشون ایران را داشت نیز بحضور نادر شاه شریانی حاصل کرد و مجدداً بسمت حکمرانی به ایالت کشمیر روانه شد. [از تاریخ جهانگشای نادری]

فصل پنجم محاربه (گرنال)

۱ - موقعیت و خاتمه عقب نشینی هنلیها ،

سقوط قلعه (لاهور) به عقب نشینی های قشون هند خاتمه داد ، زیرا قشون ایران در روی خطوط سوق الجیشی هندوستان آنچه قلاع نظامی وجود داشت بتصرف در آورده بود ، دیگر پناهگاهی در پشت سر باقی نمانده ، پایتخت هندوستان بخطر افتاد ، بنا بر این صحرای « کرنال » برای آخرین دفعه میدان نبرد انتخاب شد که قشون هند در انجا جبهه بزرگی تشکیل داده ، از تهاجمات ایرانیان بطرف شهر (دهلی) جلوگیری نمایند .

در دوازدهم شهر ذی القعدة قشون محمدمشاه در صحرای (کرنال) تسکین یافته و از طرف قشون خطوط دفاعی و اردوگاه های مهم بر پا شده بود و در اردوگاه قریب ، چهار فرسخ بود که سمت شمال و مغرب را سنگر بسته ، در سنگر ها با تعداد عمده توپ متعلق به پادشاه و امراء انحصار موضع نموده بودند . در مرکز سرا پرده (۲۳) پادشاه بود در مقابل آن سنگر های نظام الملک صدر اعظم هند و از وزرا نیز سعیدالدین خان بود و در آن سنگر ها توپخانه مخصوص پادشاه را با توپ آن استقرار داده بودند .

در جناح راست جبهه ، قسمت های خان دوران - مظفر خان - علی حمید خان - میرقلی خان شهداد خان و خان زهانخان بودند

در جناح چپ جبهه؛ هم افواج فخرالدین خان - عظیم الله خان - جانی خان - سید نیاز خان بود، (۲۴)

در پشت سر جبهه بطور احتیاط در عقب سرایرده پادشاه دستجات سر بلند خان و در پشت سر او محمد خان بن گوش و در عقب قوای جناحین هم یعنی در پشت چادر های خان دوران (فوج کبیر پارام) با دو طلبان طوایف جات و سند در خط دوم که فاصله دو هزار قدم دور تر از خط اول جبهه واقع شده است دستجات (آمول) و (کوطپو) استقرار داشتند تقریباً يك منزل دور تر از جبهه (کرنال) دستجات بهروز خان - اسحق خان - اصلحه علیخان و در پشت سر آنها طایفه « آمدز » قرار گرفته بودند.

هر يك از این امراء با قوای مخصوص خود همراه بودند و تمام قشون حاضر در اردوگاه کرنال و اطراف به دوست هزار نفر سوار و پیاده و توپچی و (۵۰۰) عراده توپ و (۲۰۰۰) زنجیر فیل جنگی بالغ می شد. (۲۵)

در صورتیکه قوای ایران پس از وضع ساخلو قلاع و طرق سوق الجیشی از ۹۰۰۰۰ نفر تجاوز نمی کرد.

عموم سوار نظام را به دو قسمت تقسیم کرده يك عده را در تحت فرماندهی (محمدخان) در جلو جناح راست قرار دادند و قسمت دیگر را هم بطور سیار بطرف رود خانه (صد لیج) اعزام داشتند که از طرز پیشروی ستونهای ایران مطلع شده قبلاً از آنها در حدود رود خانه مذکور جلو گیری نموده بعد بتدریج سمت خط مدافعه عقب بنشینند.

۲ - موقعیت قشون ایران در لاهور

قشون ایران مدت دو هفته در شهر لاهور ماند. در این موقع فرمانده کل قوا (نادر شاه) مشغول جمع آوری اطلاعات سیاسی و نظامی بود. خصوصاً دو مکتوبی که جاسوسان داخلی (سی) تقریباً قاصد مخصوص بودند که در بین نادر شاه و وزرای هند مرتباً کار می کردند) برای معظم له فرستاده بودند استعداد و نقشه جنگی قوای هند را کاملاً شرح میداد

(۲۴) انقباس از تاریخ محمد شاه تیموری .

(۲۵) - از تاریخ هند انقباس شد . ج - ق

با این ترتیب محاربه بادشمنی که از حیث عده و تجهیزات تفوق کلی داشت امری بس خطیر بنظر می آمد و بعلاوه در صورت مغلوبیت خط رجعت اطمینان بخشی برای عقب نشینی قشون در نظر نبود. بدیهی است خصومتی که اهالی بلاد مسخره نسبت به اردوی ایران داشتند بمحض انتشار خبر شکست تمام آنها بخصوص طوائف خون ریز سنجاب و در بندها در پشت سر قشون از هر گونه شراکت و مزاحمت دست بردار نبودند. ولی نادرشاه افشار با وجود کمی استعداد قشون چون از برتری و تفوق خصائل سلحشوری قوای حاضره خود اطمینان و امید کامل داشت و بجنوبی میدانست که قوای غیر منظم و بی انضباط هندوستان هرگز تاب مقاومت متهورانه سپاهیان فداکار و جسور او را نخواهد داشت لذا تصمیم گرفت که پس از تأمین قطعی خطوط سوق الجیشی طور مدبرانه بطرف پایتخت هندوستان شروع بتعرض نماید.

در ۱۴ ژانویه ۱۷۳۹ مجلس شورای نظامی در ارك لا هور تشکیل و نادر شاه سران سپاه را مخاطب ساخته به آنها حقیقت مطلب را اظهار نمود که [آخرین تماس با قوای کل خصم در صحرای «کرنال» قریب الوقوع است؛ همان طوری که تا امروز در محاربات فاتح و غالب بودید در این میدان محاربه هم که از همه خونین تر خواهد شد باید بعون الله تعالی رشادت و قهر مالی خود را نشان دهید.]

در بین این مذاکرات جاسوس دوم با اطلاعات جمع تری وارد شد از قرار تقریر مشارالیه :
« خصم در صحرای (کرنال) با استحکامات جبهه خود مشغول و سواران او قدری جلو تر آمده سواحل رود خانه (صد لیج) و قریه (عظیم آباد) را هم اشغال کرده اند.»
این خبر نادرشاه را مجدداً بفکر انداخت که آ با دشمن حالت دفاعی و یا تعرضی را اتخاذ خواهد نمود.....»

همان روز جاسوسان مجدداً برای اکتشافات و تحقیقات انفرادی و سپاه سوار برای اکتشافات عمومی مأمور شدند

۲ - شروع حرکات تعرضی بطرف کرنال و عمل

سوار نظام و آخرین تهاجمات پیاده نظام

روز پانزدهم ژانویه ۱۷۳۹ میلادی قوای ایران به سمت پایتخت هندوستان و سمت

صحرای (کرناال) شروع بحرکت و پس از چهار روز طی مسافت به حوضه رود خانه (صدلیج) که یکی از رود خانه های مهم سنجان محسوب است رسید . دو روز بود که سپاه سوار نظام در طول ساحل رود خانه مذکور قریب سه فرسنگ مسافت را در تحت نظر خود قرار داده و برای عبور قوا راه مناسبی را میخواستند پیدا کنند .

بواسطه نزدیکی فصل بهار طغیان رود خانه مانع عبور قشون گشت و چون وسائل برای ساختن پل موجود و مهیا نبود لهذا چهار روز اجباراً در آنجا توقف کردند ، در این چندروزه طغیان رود قدری روبه تخفیف گذاشت ولی معیناً عبور قوا از رودخانه بسهولت میسر نشده مقدار کثیری بار و بنه قشون را آب برده و يك قسمت عمده آذوقه اردو هم فاسد و خراب شد . این بیش آمد و وضعیت مشکوکه و نا مساعد هندیها نادر شاه را مجبور نمود که چندی در (سر هند) توقف نماید و بیش از پیش از اوضاع دشمن مطلع گردد .

موقعیکه قوای ایران در ساحل رود خانه « صدلیج » متوقف و مشغول تدارکات بودند غفرتاً از سمت شمال قسمتهای جناح چپ اردو و سوار نظام ایران بایک هدف غیر معین هندیها داخل محاربه شد .

نادر شاه برای جابجایی از حملات ناگهانی خصم عموم سوار نظام را بطرف شمال فرستاد و بد فرمانده سپاه سوار حاجی خان بیک حکم داد که حتی الامکان از تهاجمات سواران هند جابجایی نموده برای عبور قوای کل وقت لازم را فراهم نماید . آن روز تا غروب سپاه مزبور با سواران هند در سمت شمال مشغول زدو خورد بود و موقع غروب آنها را مجبور کرد که از گذار بالا دست تنگ منشاند .

در این عرقله قریب هفت هزار نفر دیاده نظام ایران موفق شدند که با بنه ها خود شازا ساحل چپ رود خانه رسانند .

روز هفتم ماه محرم قوا به آن طرف رود خانه رسیده شروع بعملیات پیشروی کردند روز ۸ ماه فوریه سرستونهای قوای ایران به (انباله) رسیده اند و همین روز سپاه سوار ، غروب راه بیابانی کرده تا به (ننه سوز) رسید .

از (ننه سوز) راه بایتخت به دو شعبه تقسیم میشود : یکی از راه عظیم آباد به صحرای کرناال میرود ، دیگری مستقیماً از راه (انباله) به صحرای کرناال منتهی میشود ، بنا بر

این سپاه سوار مطابق دستوری که دریافت نمود با دو ستون شروع بعملیات کرد.

این پیشروی با کمال کندی اجرا میشد؛ وضعیت دشمن تا آن ساعت غیر معین بود، کم آبی و بی تکلیفی افراد و صاحبمنصبان را خسته میکرد. بنا بر اخبارات غیر رسمی نادرشاه احتمال میداد که در این نقطه با استعداد کل قوای هند و بربر خواهد شد. لهذا بارونته رامر (انباله) بسرکردگی قلععلیخان گذاشته بطور سبک با حرکت میکرد. ضمناً سپاه سوار امر داده بودند که از پشت سر سپاه در طول خطوط سوق الجیشی و جلگه های طرفین بطور عمیق اکتشافات لازمه را بعمل آورند، قرارگاه کل در تعقیب سده سوار حرکت میکرد.

موقع ظهر يك دسته مکتشفین سده سوار پنج نفر از نظامیان هند را دستگیر و خدمت فرماده کل قوا آوردند. اظهارات این اسراء باراپورتهائی که قبلاً از تعداد قوای خصم به نادرشاه عرض شده بود کاملاً موافق بود، ولی بعضی مطالب آنها به نظر غریب می آمد. آنها عده مقیم (عظیم آباد) را خیلی زیاد می گفتند لهذا خود نادرشاه شخصاً با گذر قرارگاه بقصد اکتشافات لازمه روانه (عظیم آباد) گشت؛ موقع غروب نادر شاه با ستون دوم سپاه سوار نظام و گارد هماپونی وارد حدود قصبه (عظیم آباد) شد. در نتیجه اکتشافات اطراف قصبه و يك فرسخ دورتر از آن معنوی گریز که در قصبه (عظیم آباد) قریب دو هزار نفر شده بودند ولی در اطراف آن ابتدا از وجود قوای هند خبری پیدا نیست. در مکتشفین را دورت دادند که ساختاری قلعه عظیم آباد ضوری مضرب و برسان شده است که قادر به مقاومت طولانی نخواهد بود و خورد حصار قاعه هم بواسطه اینکه از آجر ساخته شده استحکامی ندارد و امید رسیدن قوا نیز از کربل تصور نمیرود. ولی راپورتهای ستون اول سده سوار که مستقیماً بطرف صحرائی کربل رهسپار شده بود چندان خوب نبود. گویا قریب ده فرسخ سوار هند در آن حد در از عملیات پیشروی آنها جلوگیری کرده خیال تعرض نیز دارد...! بنا بر این نادرشاه تصمیم گرفت که زودتر کار قلعه عظیم آباد را کسر کرده بفوریت خود را به ستون اول سپاه سوار برساند. برای این منظور به استعداد کل در (انباله) متوقف بود امر فرمود که بطرف صحرائی کربل شروع حرکت نمایند.

روز بعد صبح زود نادرشاه بخیال اقتاد که غفلتاً قلعه را تصرف کنند بدین لحاظ بسرعت کامل خود را (با گارد ستون دوم) به حصار دور قلعه رسانیده در این موقع مدافعین شروع به آتش غیر منظم نمودند معزی الیه بفوریت قسمتی از حصار را با آتشباری که هنوز وارد خط محاصره